

آن را ظرف دو سال تکمیل کرده و خط سعدیه-خانقین از راه آهن بغداد را به پایان برساند.

۳. دولت روسیه تعهد می‌کند که ضمن احداث راه آهن تهران-خانقین، پس از اتمام آن کالاهایی که توسط آن نقل و انتقال می‌یابند شامل تعرفه‌های گمرکی مختلف و یا محدودیت‌های دیگری ننماید و اگر قادر نباشد که آن خط آهن را ظرف دو سال پس از پایان شاخه راه آهن سعدیه-خانقین تمام کند، باید امتیاز احداث آن را به آلمان واگذار کند.

۴. روسیه هیچ مخالفتی با احداث خط آهن بغداد و یا شرکت سرمایه‌های خارجی در آن نخواهد کرد.

۵. روسیه حق خواهد داشت که به هر گروه مالی خارجی دلخواه خود اجازه دهد تا خط آهن تهران-خانقین را احداث نماید.

این پیمان در ۱۹ اوت ۱۹۱۱ به امضاء رسید و تا لحظه امضاء در مکتوم نگاهداشتن آن بی احتیاطی به عمل آمد، هنگامی که روزنامه «لوماتن» (Matin) چاپ پاریس آن را سه روز پیش از امضا منتشر کرد، پورتالز بار دیگر ایزولسکی را به افشای آن متهم ساخت.^{۳۰۲}

اقا مطبوعات عثمانی درباره این پیمان نسبت به ماه ژانویه قبل عکس العمل کمتری نشان دادند، ولی این کار خشم زیاد دولت آن کشور را برانگیخت.^{۳۰۳} مطبوعات انگلیس و فرانسه نیز به ترکها خاطر نشان می‌کردند که عثمانی هدف آن پیمان می‌باشد و از طرفی روس‌ها را آگاه می‌کردند که امتیازات بسیار اندکی (در این پیمان) بدست آورده‌اند.^{۳۰۴}

روزنامه «تایمز» درباره سیاست ایران و این پیمان مطلب جالب زیر را نوشت:

«... تهران که این پیمان درباره آن به امضا رسید، احتمالاً تنها

پایتختی است که از این پیمان خشنود نخواهد شد. ایرانیان مردمی حساس و مغرور هستند... و آنها از قدرت‌هایی که بدون دخالت دادن آنان در مسائل مهم ایران بحث و با یکدیگر توافق حاصل می‌کنند، آزرده می‌باشند... ابتکار برجسته دیپلماسی ایران در اینست که در میدان رقابت قدرت‌ها می‌کوشد یک قدرت را علیه قدرت دیگر برانگیزد و بسیار طبیعی بود که مردم در تهران بدنبال آن قدرت (ثالثی) باشند تا از همان شیوه کهن استفاده نمایند و باز هم طبیعی بود که نظر آن مردم متوجه آلمان باشد. در ایران کوششهای زیادی به عمل آمد تا منافع و جاه‌طلبی آلمان نسبت به ایران تحریک گردد و البته این کوششها تنها به سبب عشق و علاقه به آلمان صورت نمی‌گرفت، بلکه تنها این امید در میان بود که آلمان ممکن است مانع مطلوبی در برابر روس‌ها و انگلیسها شود. اما پس از این پیمان دیگر باید روی آلمان به عنوان عنصری مکتل روسیه در شمال ایران حساب کرد. البته ممکن است کوشش شود که از آلمان در جنوب ایران به عنوان قدرتی مخالف انگلستان استفاده کرد ولی مراقبت‌های وزارت امور خارجه ما باید قادر باشد که به سادگی آنان (آلمانی‌ها) را مغلوب سازد...^{۳۰۵}

در پنجم اوت، نخستین شایعات مربوط به امضای موافقتنامه روسیه و آلمان به شکل نخستین، یعنی اظهار نظر و بحث‌های مطبوعاتی به آلمان رسید. روزنامه «لوماتن» پاریس شرایط پیمان قابل تصور و مورد قبول روس و آلمان را منتشر کرده و خاطر نشان ساخته بود که آن شرایط در آینده‌ی نزدیک برای عموم فاش خواهد شد. «هامبورگر ناخريشتن» و «فرانکفورتر تسایتونگ» اعتقاد به صحت مطالب «لوماتن» داشتند ولی درحالی‌که روزنامه اولی آلمانی از نتیجه مذاکرات بسیار خشنود بود، روزنامه دومی به ایجاد نگرانی فرانسه و نتیجه‌گیری آن کشور از اخبار و احتمالاً چرخش مطلوبی برای آلمان در ارتباط با بحران آگادیر

در ۲۰ اوت، یعنی یک روز پس از امضای پیمان، روزنامه «هامبورگر ناخریشتن» با پیروزی نوشت «... راه آهن بغداد یا مانعی که انگلیسها مدت ها از آن بهره برداری می کردند و نیز حقوق آلمان در ایران به صورتی مبهم درآمده بود و پس از این پیمان امیدهای انگلستان و فرانسه (درباره افزایش اختلاف و نزاع روسیه و آلمان در آسیای صغیر) بر باد رفت.» «فرانکفورتر تسایتونگ» نیز از نتایج حاصل از آن پیمان شادمان بود، زیرا راه آهن بغداد تا داخل خاک ایران امتداد یافته است و «اکنون شمال ایران دروازه بی برای تجارت آلمان شده است و دیگر روس ها هیچ محدودیتی و یا اخلاقی برای آن به عمل نخواهند آورد. این پیمان همچنین درسی برای فرانسه است زیرا از این به بعد روسیه بیش از حد منافع خود را با متحدان خود عجین نخواهد کرد» و سرانجام «حتی شوونیست های آلمان نیز درمی یابند که این پیمان به ویلهلم شتراسه فرصت می دهد تا در مورد سیاست خود در مراکش راهی پیدا کنند...» «کرویتس تسایتونگ» (Kreuz Zeitung) البته لحن خشمگین مطبوعات فرانسه را کاهش داده و نوشت که «دیلی گرافیک»، (Daily Graphic) تنها روزنامه لندن است که منصفانه پیمان روس و آلمان را «پیروزی دیپلماتیک آلمان» نامیده است.^{۳۰۶}

سایر روزنامه ها نیز برای خوانندگان خود جزئیات آن پیمان را توضیح می دادند، «کولنیشیه فوکلز تسایتونگ» (Kölnische Volkszeitung) با شور و شغف از این پیمان استقبال کرده و نوشت: «هیچ چیز خوش آیندتر از نزاعی اندک بین خرس و نهنگ نیست و آلمان در ازاء ضربه زدن به منافع انگلیس در ایران، گسترش نفوذ روسیه را در ایران ساده تر کرده است» فرستاده ای از سن پترزبورگ نیز نظرات نشریات مهم روسیه را برای روزنامه «فرانکفورتر تسایتونگ» توصیف

کرد: «برژوایا ویه دموسی» از آن پیمان اظهار خشنودی کرده ولی «نووی ورمیا» فقط اظهارات بدخواهانه یی را مطرح می ساخت. این روزنامه نوشت: «علیرغم هیاهوی زیاد مطبوعات آلمان، ارزش دیپلماسی آلمان طی نه ماه مذاکره طولانی بر سر این پیمان نمایان شد. روسیه چیز زیادی به دست نیاورد، و با این پیمان شمال ایران به صاحبان صنایع آلمانی تسلیم گردیده است و این ناقوس مرگباری برای انحصارات مسکو به شمار می رود». نشریه «ری پیچ» (Ryech) نیز اظهار عقیده می کرد که «معاوضه یک نفوذ سیاسی مشکوک و ناپایدار با نفوذ واقعی اقتصادی شگرد کلاسیک دیپلماسی آلمان می باشد، اما روسیه چه چیزی را کسب کرده است؟ آلمان تمام کارت های بازی خود را بانضمام ورق آس جهت بازی بر ضد فرانسه به کار برده است.» «کولنیشیه تسایتونگ» نوشت: «این پیمان هیچ تعجبی را برنیا نگیخته است، مهمترین مطلب آنستکه تعهد کرده که ظرف دو سال راه آهن بغداد را به داخل خاک ایران برساند و یا آنکه انجام آن را به آلمان بسپارد و این به معنای آنست که شبکه گسترده راه آهن قسمت آسیای عثمانی در آینده یی نزدیک نه فقط به منزله راهی برای ارتباط با هند، بلکه راه ورود به ایران نیز خواهد شد. از این گذشته:

«مزایای فوق تنها پس از گذشت سال ها به درد ما خواهد خورد، در حالیکه امتیازاتی که ما به روس ها داده ایم از اهمیت فوری برخوردارند... اگر از این جهت به قضیه بنگریم آشکار می شود که امتیازات روس ها قابل لمس تر می باشد... و در عین حال باید در نظر داشت که منافع آلمان تا بحال از راه آهن، کشتیرانی، احداث راه و خطوط تلگراف تأمین نشده و سرمایه ما همانند صنعت ما تا کنون فعالیت چندانی در ایران نداشته است. این نوع سرمایه گذاری ها تنها با حمایت دولت نظیر تضمین و کمک های مالی در آن مناطق بازدهی دارند، مگر

آنکه مانند روسیه منافع خاص دیگری در آن نهفته باشد و این چیزی است که با وضع نابسامان مالی ایران امکان‌پذیر نیست، ضمن اینکه اصولاً شرایط سیاسی نیز برای سرمایه‌گذاران آلمانی جالب نیست و لذا آلمان امکانات این سرمایه‌گذاری را که تنها از لحاظ تئوری صحیح است با امتیاز کاملاً محسوس امتداد خط آهن به عنوان غرامت می‌پردازد. اهمیت سیاسی این پیمان در این واقعیت نهفته که... اتحاد بدست آمده با روسیه با توسعه بیشتر خود برای هر دو قدرت مفید است...»^{۳۰۷}

«مؤنشنر نویسته ناخبریشتن» (Münchener Neueste Nachrichten) علناً نوشت: «حمایت کامل روسیه از احداث راه آهن بغداد، این یک پیروزی بود. یک دهه تمام روسیه کوشش می‌کرد که از تعهد آلمان مبنی بر احداث شبکه عظیم راه آهن بغداد که باید با سرمایه و کار آلمان انجام می‌شد جلوگیری کند... کاری بس بزرگ... دیگر نزاع آلمان و فرانسه درباره مراکش قادر نیست روابط حسنه آلمان در روسیه را برهم زند»، نشریه «گرمانیا Germanian» همانند «فرانکفورتر تسایتونگ» به حُسن زیاد این پیمان همانند سلاحی می‌نگریست که می‌شد آن را علیه فرانسه در مراکش بکار برد و همچنین بمنزله روزنه فراری از یک سیاست اشتباه‌آمیز^۵ «کرویتس تسایتونگ» عقیده داشت که آن پیمان رضایت‌بخش بوده و مفاد آن چیزی بیشتر از آنچه که «ایوینینگ تایمز» در ژانویه فاش کرد، نمی‌باشد: «آلمان با عدم تقاضای در شمال خط مزبور، واقعاً امتیاز مهمی به روسیه داده و دیگر بین آلمان و روسیه اختلافاتی پیدا نخواهد شد تا انگلستان از آن بهره‌برداری کند و روسیه نیز ممانعتی عمده از...»^۵ منظور از سیاست اشتباه‌آمیز، سیاستی است که آلمان در آن سال‌ها در بحران مراکش بکار برد که مورد انتقاد پاره‌بی از سیاسیون و مطبوعات قرار گرفته بود - م.

تجارت آلمان به عمل نخواهد آورد و این «کار سترگ» (راه آهن بغداد) سریعاً سرانجامی مفید خواهد داشت. کوششهای عبث و نابخردانه مطبوعات غرب برای کاستن از اهمیت این پیمان نیز قابل توجه است، این نوع مبارزات مطبوعاتی در بحران مراکش نیز جزئی از یک کوشش دامنه‌دار جهت چشم‌پوشی آلمان از «حقوق حقه» خود در مراکش بود...»^{۳۰۸}

نشریه پان ژرمن «آل دویچه بلتر» (Alldeutsche Blätter) نظریات گوناگونی را درباره این پیمان آورده بود. این نشریه معتقد بود که علیرغم سودمندی آن پیمان بر ضد فرانسه، آن قدرها هم مفاد آن نافع و قابل استفاده نیست، بی احتیاطی «ایوینینگ تایمز» به فرانسه فرصت داد تا خود را با این پیمان وفق دهد و این درحالی است که روسیه مجبور شد تا به هم‌پیمانان دیگر خود اطمینان دهد که پیمان با آلمان تغییری در روابط عادی این دولت با آنان ایجاد نخواهد کرد و خلاصه اثرات بالفعل این پیمان از میان رفته است. این نشریه بر این باور بود که منشأ بی احتیاطی «ایوینینگ تایمز» و «لوماتن» مطمئناً از ناحیه ایزولسکی بوده است، هرگاه بانک داران و سرمایه‌گذاران خصوصی آلمانی از راه آهن بغداد سود می‌برند نباید از مردم آلمان بخواهند که آن راه آهن را جزو منافع ملی درجه یک تلقی کنند. برخلاف راه آهن بغداد، اصولاً تجارت آلمان در ایران از اهمیت کمتری برخوردار است زیرا مواععی که روس‌ها دارند و خرابی جاده‌ها در سراسر ایران هنوز از موانع جدی این امر می‌باشند. اصلاً چرا روسیه این پیمان را در وهله اول امضا کرد؟ چون این کشور چیزی نداشت که از دست بدهد. روسیه هرگز خط آهن تهران-خانقین را نخواهد ساخت و آلمان نیز بعید است که این کار را انجام دهد. خلاصه این پیمان به غیر از اندک سودی آنهم موقتی بر ضد فرانسه، ارزش زیادی ندارد، گو اینکه در صورت سقوط عثمانی،

با همه اینها، اهمیت پیمان روسیه و آلمان را نمی توان ناچیز شمرد. «جی. بی. ولف» (G.B. Wolf) از این پیمان به عنوان «نخستین رخنه آلمان در دیوار وحدت متفقین علیه راه آهن بغداد» یاد می کند. این پیمان به آلمان فرصتی داد تا میان دشمنان خود شکاف اندازد و ضمناً آلمان را برای دستیابی به بازارهای ایران امیدوار کرد زیرا در آن زمان که در امر تجارت رقابت وجود داشت، کالای آلمان برای ایرانیان گذشته از ارزان تر بودن بهمان اندازه تولیدات روسی و انگلیسی مرغوبیت داشت و اگر جنگ جهانی اول در نگرفته بود، احتمالاً آلمان قادر بود با استفاده از خط آهن بغداد همانطوری که در عثمانی نفوذ کرده بود، در ایران نیز پیشرفت نماید و سیاسیون روس و انگلیس برای خنثی کردن این امر مجبور بودند هم خود را مصروف احداث راه آهن در ایران کنند تا هم از اشباع شدن بازار ایران از کالاهای آلمانی جلوگیری کنند و هم تغییراتی درازمدت در وضعیت سیاسی ایجاد نمایند و البته باید تذکر داد که بقول «تایمز» این پیمان البته به منزله شکست همان استراتژی مرسوم ایران بود که خواهان استفاده از آلمان به عنوان سپری در برابر روس و انگلیس می شد و نیز مسلم است که امضای پیمان ۱۹۱۱ برای افکار عمومی ایرانیان تحولی ایجاد کرد، همان افکار عمومی که تا آن هنگام ستایش های بی شائبه و درستی را برای آلمان قائل شده بود. در سن پترزبورگ نیز گمان نمی رفت که دیگر آلمان با طرح های روسیه در مورد ایران مخالفت زیادی به عمل آورد و مسلم بود که سازائف اگر در فکر کسب امتیازی در ایران نبود، امکان نداشت با آن پیمان موافقت کند. وی امیدوار بود که باین ترتیب به طور موقت توانسته است آلمان را سر جای خود بنشانند. حتی اگر روسیه مجبور می شد تا آن راه آهن پر هزینه را بسازد (و این کاملاً نامحتمل به نظر می رسید)، تازه در آخرین

تحلیل روسیه نیز به همان اندازه آلمان سود می برد. واقعیت اینست که روسیه به قیمت تیرگی روابط خود با انگلستان و فرانسه، آن پیمان را بسته بود ولی در عوض جوی مساعد در روابط خود با آلمان ایجاد کرد، ضمن اینکه با این کار امری را که باعث شکاف آن دو قدرت بود، فیصله می داد.

اندکی بعد آلمانی ها با تهدیدی در ارتباط با کارهای آقای «مورگان شوستر» (W. Morgan Shuster) و همراهان او مواجه گردیدند. در آن زمان شوستر مشاور مالی دولت ایران بود. حادثه هنگامی رخ داد که یک مشاجره اداری بین شوستر و مورنارد (رئیس بلژیکی اداره گمرک) بوجود آمد ولی هنگامی که تولید مسکوک و اختیار پرداخت های خزانه ایران تحت کنترل شخص شوستر قرار گرفت، این مشاجره نیز پایان یافت و در این مورد کوادت به برلین چنین گزارش داد:

«... این رویداد اخیر از نظر منافع ما در اینجا دارای اهمیت است (زیرا ممکن است بین شوستر و مورنارد موقتاً توافق شود)... چون همانطور که جنابعالی آگاه هستید، تمام پرداخت های دولت به ما و بیشتر از همه به مدرسه آلمانی، تا بحال از طریق اداره گمرک انجام گرفته است و در صورت از بین رفتن این اداره منافع ما به طور جدی به خطر می افتد...»^{۳۱۰}

از آنجا که روسیه و آلمان سعی داشتند روابط خود را بهبود بخشند، نمایندگی های سیاسی آنان در تهران اکنون ظاهراً با یکدیگر دوست بودند. احتمالاً این واقعیت و نیز تهدید مدرسه آلمانی توسط شوستر می تواند بی تفاوتی کوادت را نسبت به ماجرای برکناری و اخراج شوستر (پس از اولتیماتوم ۱۹۱۱ روسیه) توجیه کند. برکناری شوستر همدردی و تأسف زیادی در بین ایرانیان برانگیخت و یکی از نظرهای جالب

ایرانیان، آن تلگراف اعتراض آمیزی بود که توسط گروهی از تبریز برای آن «دوست ایران» یعنی ویلهلم دوم فرستاده شد.^{۳۱۱}

پیمان روس و آلمان تأثیر چندانی در کاهش دو قدرت نداشت. مثلاً اخراج شوستر در مطبوعات آلمان به صورت اظهار همدردی بسیاری (نسبت به ایران) ظاهر گردید. نشریه رسمی «روسیا» Rossiya در سن-پترزبورگ «روزنامه‌های خط‌دهنده بزرگ آلمان را متهم کرد که سعی می‌کنند بذر نفاق بین روسیه و انگلستان پیاشند، «نووی ورمیا» نیز با بکار بردن همان مضمون طی مقاله طعنه آمیزی نوشت: «مطبوعات آلمان قادر به نفاق افکنی بین روسیه و انگلستان نیستند. این مطبوعات بدرستی آگاهند که اگر در حال حاضر وزارت خارجه آلمان موفق شود که معاهده دو قدرت (روس و انگلیس) را نابود نماید، روسیه اجباراً رو به برلین خواهد کرد و هر آنچه که برلین خواهان آنست انجام خواهد داد...».

این مطالب برلین را آزرده کرد، بطوریکه بخش مطبوعات (در وزارت خارجه آلمان) در یکی از ستون‌های مجله هفتگی «نورد دوپچه آلمگامینه تسایتونگ» (Norddeutsche Allgemeine Zeitung) مطلبی را جا داده و به روزنامه‌های روسی به سبب استعمال تعبیر «مطبوعات خط‌دهنده آلمان» اعتراض کرد و به پورتالز نیز خاطر نشان شد که این موضوع را در وزارت خارجه روسیه دنبال کند.^{۳۱۲}

هنگامی که در ژانویه ۱۹۱۲ قشون روس مشهد را اشغال کرد و حرم امام رضا هدف گلوله‌های روسی قرار گرفت. «فوسیشه تسایتونگ» با دفتر خبرگزاری رسمی روسی به مشاجره پرداخت. آن روزنامه برلینی نوشته بود که مطبوعات آلمان به خاطر رها شدن از اتهام پاشیدن تخم نفاق در بین دول متفق کمتر به حادثه خراسان می‌پردازند ولی خبرگزاری نامبرده این مطلب را مورد تکذیب قرار داد.

در فوریه ۱۹۱۲، روسیه و انگلستان که از چگونگی مناطق نفوذ خود در ایران و احیاناً تزلزل معاهده ۱۹۰۷ خشنود نبودند، از دولت ایران خواستند که معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس را برسمیت شناسد. ایرانیان با اعتراضات خود در وین و برلین و با تقاضای برخورداری از حمایت در این دو پایتخت تا جایی که توانستند از تناول این قرص تلخ خودداری کردند. نظر مقامات برلین این بود که به ایران توصیه شود که این معاهده را بپذیرد، زیرا که منافع آلمان صرفاً در حراست از منافع تجاری و مصالح ملی دور می‌زد، تأکید مقامات برلینی بر این دو امر حاکی از آن بود که سیاست آلمان پس از پیمان با روسیه صورت انفعالی به خود گرفته و تنها خواستار حفظ وضع موجود می‌باشد. لذا کمک برلین در این مورد تنها به همان پیشنهادهای کاردار آلمان به وثوق الدوله وزیر خارجه که در یادداشت جوابیه^{۳۱۴} به یادداشت متفقین آمده بود منحصر می‌شد. هنگامی که «پرنس رویس» (Prince Reuss)، جانشین کوادت، برای ارزیابی از پرستیژ آلمان آنهم در موقعیتی که احساسات ایرانیان نسبت به آن کشور در حال انعکاس بود، وارد تهران گردید، چنین نوشت:

«... انتقال من از هندوستان به اینجا این فکر را در ایرانیان ایجاد کرد که احتمالاً آلمان قصد دارد نقشی فعال‌تر در ایران ایفا نماید. از نظر ما بسیار دردناک است که ایرانیان نسبت به صداقت ما شک داشته باشند... اگر گاهی در بین ایرانیان به سبب آگاهی به حقوق خود، چنین احساسی ایجاد گردد، آن را نمی‌توان مورد نکوهش قرار داد. آن روزهایی که مردم آلمان به نفوذ در ایران امید زیادی داشتند در اینجا هرگز فراموش نمی‌شود... تأسیس مدرسه، اعزام دو پزشک، پروژه گشایش یک بانک آلمانی روحیه احتیاط‌آمیز ایرانیان را نسبت به ما کاهش داد... ایرانیان شروع به دادن امتیازاتی بما کردند که هرگز

درخواست آن را نکرده بودیم. برای کنت کوادت نیز همیشه آسان نبود تا علیه آن نومیدی که بعداً (نسبت به آلمان - م) آغاز شد، اقدامی کند... ۳۱۵».

در طی دو سال از ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴، فعالیت‌های آلمان در ایران ایستا و نامشخص بود: منافع و کوشش‌های این کشور صرفاً حول تجارت متمرکز شد. اصطکاک آلمان با انگلستان کاهش یافت ولی از سوئی دیگر رخدادهای جدی چندی بین قشون روس و نماینده کنسولی آلمان در تبریز (که درگیر کارهای یک شرکت فرش آلمانی بود) اتفاق افتاد و خریدهای تسلیحاتی مهم برای ژاندارمری نو بنیاد ایران از آلمان انجام گرفت. ۳۱۶

امپریالیسم آلمان در ایران طی دوره هفت ساله ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲ فعال‌ترین دوران خود را می‌گذراند. در خلال این سالها جنبه متناقض حضور این امپریالیسم به واضح‌ترین شکل خود مشخص می‌گردد باین صورت که اگر آلمان قادر میشد از انهدام حیات سیاسی ایران بدست روس و انگلیس جلو گیرد، بیشترین بخش افکار عمومی ایرانیان را به حمایت از نفوذ خویش بدست می‌آورد و در همان حال هرگاه آلمان علاقه خود را به بسط نفوذ در ایران نشان نمی‌داد، روس و انگلیس نیز آنقدر با خشونت با ایران رفتار نمی‌کردند. حال بحث درباره این امر کاملاً جنبه آکادمیک بخود می‌گیرد، از سوئی ایرانیان با قبول تقاضاها و پروژه‌های به ظاهر گرانبهای آلمان، به ضرر ایران رفتار کردند و از سوئی باید پذیرفت که با مقتضیات آن زمان آن عکس العمل افکار عمومی ایرانیان کاملاً طبیعی و منطقی بود.

در فصل بعد، کوششی به عمل خواهیم آورد تا اهداف و اثرات امپریالیسم آلمان را خلاصه کرده به نتایجی درباره انگیزه‌ها و درجه پیشرفت این امپریالیسم دست یابیم.

یادداشت‌های فصل سوم

۱. علت عاجل حرکت ترکیه (بنا بر نظر فرانکفوتر تسایتونگ، ۸۱، ۲۳ مه ۱۹۰۶).
(whose correspondent was briefed by Naus, the Persian Minster of Customs - see DAA, Mawschall to F.O., Telegram No. 30, A 6172, March 27, 1906, Persien, No. 6, Bd. 1)
قتل جعفر آقا، رئیس راهزنان کردشیکاک، در اواخر سال ۱۹۰۵ بود. جعفر آقا سنی بود ولی یک تبعه ایران بشمار می‌رفت. وی برای یک مصاحبه با ناظم السلطنه، حاکم آذربایجان، به تبریز فراخوانده شده بود. یک روز پس از ورود جعفر به تبریز، علیرغم آن که یک محافظ و اسکورت از طرف حاکم به وی داده شده بود، از ناحیه پشت سر مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد. مهمت آقا، پدر جعفر آقا، بمحض آن که خبر تیراندازی را شنید، بیعت طایفه‌اش را به ترکیه اعلام کرد و حمایت سلطان را تقاضا نمود. مهمت آقا به همراه تعدادی از علمای ترکیه شرقی و احزاب ذینفع دیگر از جمله ایزت پاشا، برادر والی موصل، موفق شدند عبدالحمید را قانع سازند که بخش هائی از کردستان ایران واقعاً جزو قلمرو ترکیه بشمار می‌روند. سلطان نیز پس از آن، در اعزام نیرو برای حمایت از افراد سنی، وقت را هدر نداد.

همچنین به اثر احمد کسروی، تاریخ مشروطیت ایران، جلد اول (تهران ۱۳۳۳/۱۹۵۲)، ۲۰۰-۱۹۷. مراجعه شود.

- HN, 898, December 21, 1905.
- HN, 60, January 25, 1906.
- Frankfurter Zeitung (FZ) 81, March 23, 1906; also HN, 207, same day.
- DAA, Rex to Bülow, A 23572, December, 29, 1905, Telegram, Persien No. 1, Bd. 20; and Rex to Bülow, A 1611, December 29, 1905, ibid.
- درست در همین زمان، کنت رکز در حال مانور برای تأسیس یک مدرسه آلمانی بعنوان یک وزنه برابر در مقابل مدارس آمریکائی و فرانسوی که قبلاً در آنجا کار می‌کردند بود. رکز آلمان را تحت فشار قرار داد تا فوراً به نفع ایران در برخوردهای جبهه مداخله نماید بطوریکه وی بتواند برای این مدرسه، یک سوبسید سالیانه از شاه مطالبه نماید.

25. DAA, Tschirschky to Marschall, A 14485, Telegram No. 129, August 24, 1906, Persien No. 12, Bd. 1.

26. DAA, Marschall to Bülow, A 17947, October 25, 1906, Persien No. 6, Bd. 2.

27. DAA, Marschall to F.O., A 18435, Telegram No. 281, November 3, 1906, Persien No. 6, Bd. 3.

۲۸. مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ۴ (تهران ۱۳۳۱/۱۹۵۱)،

۱۸۰-۱۷۹.

29. Ibid., 180.

۳۰. در مه ۱۹۱۰، پس از پایان حاکمیت محمدعلی و عبدالحمید، میرزا مصطفی خان، سفیر ایران در وین، به تپرسچکی گفت که... «در زمانی که محمدعلی و عبدالحمید در تهران و قسطنطنیه حکومت می‌کردند، یک توافق پنهانی بین آنها برای به تعویق انداختن معرفی یک مجلس وجود داشت. روسیه در این بازی، دست داشت و در تهران و قسطنطنیه تولید اشکال کرده بود. شاه وقت، شخصاً در شروع برخوردهای مرزی مقصر بود زیرا برای منحرف کردن توجه ایرانیان از اوضاع سیاسی داخلی، بطور پنهانی نیروهای ترک را به داخل کشور فراخوانده بود...»

(DAA, Tschirschky to Bethmann - Hollweg, A 9257, May 29, Persien No. 6, Bd. 5.

31. DAA, Kiderlen to Bülow, A 14220, September, 8, 1907, Persien No. 6, Bd. 4.

32. DAA, Richthofen to Bülow, A 19686, December 7, 1907, Persien No. 1, Bd. 27.

33. DAA, Schön to Marschall, A 18803, Dec. 14, 1907, Persien No. 1, Bd. 27.

34. DAA, Miquel to Bülow, A 18719, December 10, 1907, Persien No. 6, Bd. 4.

بولو از آنچه وی آن را یک «مبارزه افترا آمیز» توسط مطبوعات روسیه در این زمان نامید خیلی عصبانی بود.

35. DAA, Von Stempel to war Ministry, A 5570, April 7, 1908, Secret Military Report No. 74, Persien No. 1, Bd. 29.

36. HN, 123, February 18, 1908. see also VS, 42, February 19, 1908.

37. DAA, Quadt to F.O., A 7427, Telegram No. 64. May 11, 1908, Persien No. 6, Bd. 4.

38. DAA, Quadt to F.O., A 7427, ibid.

39. DAA, Marschall to F.O., A 7899, May 19, 1908, Persien No. 1, Bd. 29.

در اینجا، گواه دیگری وجود دارد که مارشال، مغز متفکر سیاست آلمان در خاورمیانه بود. چنین مشکلاتی به وی، بعنوان عالی‌رتبه‌ترین مقامی که بیشتر از همه در ارتباط با خاورمیانه بود مراجعه می‌گردید.

40. DAA, Schön to Quadt, A 7899, Telegram No. 41, May 25, 1908, Persien No. 1, Bd. 29.

See A 23572 and A 1611, quoted above.

7. DAA, Staatssekretär to Marshall, A 23572, Telegram No. 229, December 31, 1905, Persien No. 6, Bd. 1. The title of the document series Persien No. 6 is "Die Beziehungen Persiens Zur Türkei".

مارشال از زمان انتصابش به سمت سفیر در پورت در ۱۸۹۷، یکی از افراد رهبری سیاست فعال آلمان در خاورمیانه بود. وی اولین نفری بود که به قیصر پیشنهاد کرد که آلمان راه‌آهن بغداد را بسازد.

8. DAA, Marschall to F.O., A 2285, Telegram No. 18, February 1, 1906, Persien No. 6, Bd. 1.

9. See Item 792, "Arrangement Provisoire Pour la délimitation de frontières avec la perse, Signé a Constantinople, le 2 août 1869/24 Rabi' al-Akhir 1286", in Gabriel Effendi Noradunghian, Recueil d'actes internationaux de L'empire ottoman (Paris, 1902), III, 290-291.

10. DAA, Marschall to F.O., A 2285, ibid.

11. DAA, Marschall to F.O., A 2391, Telegram No. 21, February 3, 1906, Persien No. 6, Bd. 1.

12. DAA, Marschall to F.O., A 6172, Telegram No. 30, March 30, 1906, Persien No. 6, Bd. 1.

13. HN, 236, April 3; 258 April 12, 1906.

14. HN, 290, April 26, and FZ, 126, May 2, 1906.

15. Wiener Politische Korrespondenz, quoted in HN, 304, May 2, 1906.

16. HN, 319, May 8, 1906.

17. DAA, Rex to F.O., A 7562, Telegram No. 1, April 24, 1906, Persien No. 6, Bd. 1.

18. DAA, Marschall to F.O., A 8060, Telegram No. 45, May 2, 1906, Persien No. 6, Bd. 1.

19. DAA, Rex to F.O., 8934, Telegram No. 1, May 17, 1907, Persien No. 1, Bd. 20.

20. DAA, Rex to Bülow, A 7902, April 11, 1906, Persien No. 1, Bd. 20.

۲۱. بنابر یک شایعه، فریک احمد مجید پاشا جرأت کرده بود به سلطان بگوید که

مناطق که ترکیه اشغال کرده بود بطور قطع به ایران تعلق دارند و سربازان باید آنها را تخلیه نمایند. از اینرو، سلطان آق‌قدر شدید او را توبیخ کرد که وی خودکشی کرد.

22. DAA, Bodman to Bülow, A 11387, ibid.

23. DAA, Bodman to Bülow, A 11387, ibid.

24. See the Frankfurter Zeitung, 81, March 23, 1906.

شبهات بین محتوی و حتی شکل بین چند تا از پیغام‌های مارشال و این مقاله در (اف زد) جالب توجه است. خبرنگار «زد» که این مقاله به امضای او می‌باشد، باید با سفارت آلمان در قسطنطنیه همکاری نزدیکی داشته باشد.

۱۹۰۶ نگاه کنید. مقالات ۲ نوامبر و ۱۷ دسامبر سال ۱۹۰۶ تایمز اظهار داشته اگر دولت انگلستان اقدامی نکند، بزودی آلمان حمل و نقل و کشتیرانی خلیج فارس را در کنترل خود درخواهد آورد.

یک روزنامه ایرانی بنام جبل‌المتین در کلکته منتشر می‌شد در چهارمین شماره خود بتاريخ دوم رجب ۱۳۲۴ (۲۴ اوت ۱۹۰۶) مقاله بلندی از روزنامه مناظرات پاریس که به نقشه‌های آلمان برای ایجاد یک بانک در تهران حمله کرده بودند. نقل کرد.

52. GP, "Aufzeichnung" by Rosen for Richthofen Nr. 8566, October 14, 1905, Bd. 25/1, 103.

53. GP, "Aufzeichnung" by Rosen Nr. 8567, October 24, 1905, Bd. 25/1, 103 - 104.

54. DAA, International Bohrgesellschaft to Zimmermann, A 130055, July 24, 1906, Persien No. 1, Bd. 21.

این شرکت که در ارکلنز (Erkelenz) راین‌لند واقع بود به امتیاز نفتی در زمین مورد تملک ناصرالسلطنه، حاکم خراسان چشم دوخته بود. ناصرالسلطنه، خویشاوند یکی از مقامات هیئت نمایندگی ایران در بروکسل بود که به این شرکت نزدیک گشته بود، رئیس هیئت مدیره این شرکت، شخصی بنام دکتر لانگن بود که همزمان ریاست بانک شافهازن را در کلن نیز برعهده داشت. در حاشیه متن زیرمن رئیس جوابی را که در آن شرکت را به رها کردن طرح خود پند داده، یادداشت کرده بود، زیرا امتیازی این چنین نزدیک به مرز روسها ممکن بود باعث رنجش سنت‌پترزبورگ گردد.

55. GP, Richthofen to Bülow, Nr. 8568, June 4, 1906, Bd. 25/1, 107.

56. GP, Richthofen to Bülow, Nr. 8568, *ibid*.

57. GP, Richthofen to Bülow, Nr. 8568, *ibid*.

58. GP, Richthofen to F.O., Nr. 8570, June 28, 1906, and Mühlberg to Richthofen, Nr. 8571, June 29, 1906. Bd. 25/1, 108 - 109.

59. For details of the Russian reaction to these projects, see M.S. Lvanov, "Sos'iv pervoge irenskogo medzhzisa i bor'ba za ustanovlanie osnovnogo zakona", in *Uchen'le Zapiski Instituta Vostokovedentya, VIII* (Moscow, 1958), 100 - 101. Ivanov's analysis is marred by his dogmatic Marxism, which leads him to misinterpret German motives, but he has drawn from Russian State Archives throughout his article

60. GP, Tschirschky to Schön, Nr. 8572, July 29, 1906, Bd. 25/11, 109. 110.

61. GP, Tschirschky to Schön, nr. 8572, *ibid*.

۶۲. بانک شرقی آلمان با سرمایه بانک ملی آلمان، بانک درسدن و شافهاسن تأسیس گردیده بود. ویتینگ (Witting)، مدیر بانک ملی بود. وی همچنین برادر ماسکیمیلیان هاردن، روزنامه‌نگار معروف و ویراستار مجله (Zukunft) بود. برای جزئیات بیشتر به منبع

41. DAA, Quadt to F.O., A 8447, Telegram No. 69, May 31, 1908, Persien No. P, Bd. 30.

42. DAA, Marschall to F.O., A 7899, May 19, 1908, Persien No. 1, Bd. 29.

43. HN, 438, June 24, 1908.

44. DAA, Pourtales to Bülow, A 19339, November 12, 1908, Persien No. 1, Bd. 33.

45. DAA, Pourtales to Bülow, A 11320, July 3, 1909, Persien No. 6.

46. DAA, Marschall to F.O., A 21521, December 11, 1910, *Persien* No. 6, Bd. 6.

47. DAA, Tschirschky to Bethmann - Hollweg, A 9257, May 27, 1910, *Persien* No. 6, Bd. 5.

48. DAA, Pourtales to F.O., A 19668, November 25, 1910, Persien No. 21, Bd. 5. (This series is entitled "Die Persische Frage".)

49. See *Jahrbuch des Völkerrechts*, 1911/12 (München 1913), 1, 161, for an agreement of December 21, 1911 regarding the preliminaries to a final settlement.

۵۰. براساس گزارش «کورت‌هایمر» (Geschichte der Hamburg-Amerika line...1927.II.95) که به طور خصوصی منتشر و توزیع می‌شد. «مسیر هامبورگ-آنتورپ-بندر ماری-سودان-جیبوتی-عدن-مسقط-بندرعباس-بندرلنگه-بحرین-بوشهر-محمرة-بصره و برگشت بود. رسیدن اولین کشتی آلمانی کانادیا در آبهای خلیج فارس در خلال تابستان ۱۹۰۶ جنگ کشتی‌های باری بین خط کشتیرانی هامبورگ-آمریکا و لاینج انگلیسی و منافع آسیب دیده را آغاز نمود. هردو کشور در حمل و نقل حاجیان از خلیج به مکه رقابت می‌کردند و باعث شد که کرایه‌ها تقلیل یابد و حمل و نقل حجاج در سالهای ۱۹۰۹-۱۹۰۶ افزایش یابد. گفتن اینکه آیا خط کشتی‌رانی هامبورگ-آمریکا در سالهای سخت اول توسط کمکهای دولت آلمان حمایت می‌شد مشکل است. علیرغم اتهاماتی که منابع انگلیسی در آلمان می‌زدند. آرشیه‌های شرکت کشتیرانی در حمله هوایی هامبورگ در سال ۱۹۴۳ از بین رفته بود. یکی از اعضای هیئت رئیسه شرکت، آقای کریش (Kriesche) در می ۱۹۵۵ در مصاحبه‌ای گفت سرویس خلیج هیچگونه کمک مالی در هیچ زمانی از امپراطوری آلمان دریافت نکرده است.

در سال ۱۹۰۵ یک مهندس هلندی بنام گرد اوان روگن (Grad Van Roggen) طرحی برای ایجاد سد رودخانه کارون و آبیاری مزارع اطراف شهر اهواز پیشنهاد کرد. پنبه و گندم که در آنجا می‌روئید سودآور بود و می‌توانست موجبات بازگشت کشتی‌های باری شرکت کشتیرانی هامبورگ-آمریکا را فراهم آورد. شرکت کشتیرانی مذکور و بانک شرق آماده بودند تا سرمایه لازم را متحمل شوند ولی با توجه به گذشت زمان سود احتمالی کمتر شد و این فکر نیز به باد فراموشی سپرده شده بود.

۵۱. به روزنامه تایمز مورخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۶ و استاندارد ۱۲ ژوئن و ۲۰، ۲۸ ژوئیه

G.W.F. Hallgarten, OP. Cit. II, 41, note 4.

63. DAA, F.O. to Richthofen, Telegram No. 26, A 15393, Srptrmber 7, 1906, *Orientalia Generalia* No. 13, No. 1, Bd. 1.

سرانجام معلوم گشت که مسئله پرداخت مساعده‌ها و وام‌ها به دولت ایران «یک عامل قطعی در تأسیس بانک آلمان بوده است. در تابستان ۱۹۰۶ آلمان امیدوار بود که یک وام کلان روسی در تهران پذیرفته شود زیرا روس‌ها این شرط را به آن ضمیمه می‌کردند که ایرانیان نمی‌توانند تا مدت ۲۵ سال «هیچ وامی از سایر کشورها (مثل انگلستان) دریافت کنند. آلمان امید داشت این شرط وجود مانعی را در تفاهم روس و انگلیس اثبات خواهد کرد. این تصور در تلگرامی که در بالا ذکر شده اظهار گشته است.

64. KZ (weekly edition) 39, September 27, 1906.

65. DAA, *The Times*, September 25, 1906, *Persien* No. 1, Bd. 21.66. DAA, *Le Figaro*, *Times* for September 28, 1906, *Persien* No. 1, Bd. 21.67. DAA, *Le Gaulois*, October 8, 1906, *Persien* No. 1, Bd. 21.68. DAA, Miquel to Bülow, A 17372, October 11, 1908, *Persien* No. 1, Bd. 22.69. DAA, Miquel to Bülow, A 17372, *ibid*.70. DAA, *Le Temps*, October 21, 1906, *Persien* No. 1, Bd. 22.

71. GP, Tschirschky to Richthofen, Nr. 8579, September 11, 1906, Bd. 25/1, 118.

72. GP, Tschirschky to Richthofen, Nr. 8576, *ibid*.

73. GP, Pourtales to Metternich, Nr. 8578, September 21, 1906, Bd. 25/1, 119-120.

74. DAA, F.O. to Consul-General, Constantinople, A 2108I, January 10, 1907, *Persien* No. 1, Bd. 23.75. DAA, F.O. to Schön, A 21098II, January 15, 1907, *Persien* No. 1.

76. KZ, 4 (weekly edition) January 24, 1907.

77. DAA, *Le Journal de St. Petersburg*, Frbruary 6/19, clipped in *Orientalia Generalia* No. 1, Bd. 2. Ibanov, OP cit, 100, thinks that the Germans were trying at first to supply key personnel to a Persian National Bank, First proposed at this time. There is no evidence from the German files to support this statement.

78. DAA, Schön to F.O., A 2855, Telegram No. 46, February 19, 1907, *Orientalia Generalia* No. 13, No. 1, Bd. 2.

۷۹. به روزنامه استاندارد مورخ ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۲۳ و ۳۰ می ۴، ۵، ۸ و ۳۳ ماه

می ۱۹۰۷ رجوع شود. حداقل یک روزنامه ایرانی «یعنی روزنامه ملی‌گرای حبل‌المتین چاپ کلکته به نقشه‌های آلمان در ایران بخصوص تأسیس بانک آلمان در تهران حمله کرد و تشریح کرد که زبان یک بانک آلمانی کمتر از بانک انگلیسی و روسی که قبلاً در این کشور فعالیت داشتند نخواهد بود.

80. HN, April 4, 1907. See also BT, April 3, 1907.

81. KZ, 357, April 4, 1907.

82. *Norddeutsche Allgemeine Zeitung* (NAZ) 91, April 7, 1907.

83. FZ, 93, April 4, 1907.

84. HN, 237, April 5, 1907.

85. MAZ, 163, April 9, 1907.

86. *Berliner Tageblatt* (BT), 212, April 27, 1907.

87. KZ, 462, Mau 1, 1907, HN, 303, same day.

88. KZ, 468, and HN, 309, May 3, 1907.

89. HN, 312, NAZ, 105 and KZ, 477, May 5, 1907.

90. HN, quoting the *Standard*, 315, May 6; 318, May 7.

91. HN, 354, May 23, 1907.

92. KZ, 544, May 23, 1907.

در تاریخ ۱۵ ژوئیه یک نماینده پارلمان بنام ریس (Rees) از معاون وزارت کشور (رانسیان) سؤال کرد، که آیا بانک آلمان و بانک شرقی درصدد یافتن یک مجرای اقتصادی در شرق ترکیه به انضمام تأسیس بانک در بغداد و کشیدن خط راه‌آهن در مرز ایران هستند. آیا وزیرخارج (گری) از راه‌آهن انگلیس که بوسیله سرمایه بریتانیا در این بخش‌های آسیا حمایت می‌شود پشتیبانی نخواهد کرد؟ رانسیان و گری از پروژه‌های اظهار شده آلمانی اطلاعی نداشتند و خودشان را در این ماجرا شرکت نمی‌دادند. به لحاظ اینکه ریس تمام حملات را درباره همه موارد لازم در استاندارد منتشر کرده بود، ممکن بود فرض شود او عضوی از یک گروه انگلیسی، که منافع خصوصیشان در ایران و عراق توسط امپریالیزم آلمان در حال انهدام بوده، باشد.

93. For information about Gutmann, see Hallgarten *op. cit.*, 41, note 4.

۹۴. بانک ملی فعلی تا سال ۱۳۰۶ مطابق با ۱۹۲۶ میلادی فعالیت خود را آغاز نکرد. به کتاب پول و بانکداری نوشته مصطفی فاتح رجوع شود. برای برخی مناظرات جالب درمورد شروع بانک ملی به قسمت دوم مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه (روزنامه مجلس بی. تا، ۲۲۸-۲۹۱ (اول شعبان ۱۳۲۴ هـ. ق.) نیز رجوع شود به مقاله م.اس. ایوانف، که در بالا نقل شده است.

95. DAA, Stemrich to F.O., A 7631, May 11, 1907, *Orientalia Generalia* No. 13, No. 1, Bd. 2.96. DAA, Copy of private letter from H.M. Gutmann to the *Deutsche Orient-bank*, Berlin, May 15, 1907, *Persien* No. 1, Bd. 25.

۹۷. گزارش مختصری از نامه خصوصی گاتمن به بانک شرقی، همانجا در تاریخ ۱۳ می ۱۹۰۷ (۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۵) روزنامه ملی‌گرای حبل‌المتین (که درحال حاضر در تهران به چاپ می‌رسد) به آلمان و بانک شرقی حمله شدیدی کرد. حبل‌المتین فعالیت آلمان را

“Der Kölnischen Zeitung ist bereits Material Zur Erwidrung auf die Times - Korrespondenz Zur Verfügung gestellt worden”.

مکانیسم برخورد‌های متعدد مطبوعاتی بین KZ و سایر روزنامه‌های دشمن را کاملاً دقیق نشان می‌دهد:

(DAA, Metternich to F.O., A 4924, March 30, 1908, Persien No. 1, Bd. 29.)

همچنین به این مقالات در روزنامه استاندارد مراجعه کنید: «آلمان و ایران» (۲۰ جولای): «ایران و بانک آلمان» (۲۲ جولای): «یک بانک آلمانی در ایران» (۲۲ آگوست) و «فعالیت‌های بانکی در ایران» (۱۸ ژانویه ۱۹۰۸). بدون هیچ شکی، این چهار مقاله، ادامه عملیاتی بودند که توسط بانک شاهنشاهی هدایت می‌شد و گمان از آن شکایت داشت.

107. See Schön to Bülow, Nr. 8590, July 25, 1907, GP, Bd. 25/1, 143 - 144, and DAA, As 816, July 25, 1907. *Orient. Gen.* No. 13, No. 1, Bd. 3.

108. DAA, u. signed, "Aufzeichnung" for a talk between Bülow and Hardinge (August 8, 1907), *Orient. Gen.* No. 13, No. 1, Bd. 3.

109. GP, Pourtales to Bülow, Nr. 8592, December 21, 1907, Bd. 25/1, 147 - 148.

110. DAA, Quadt to Bülow, A 16722, September 29, 1908, *Orient. Gen.* No. 13, No. 1, Bd. 4.

111. DAA, Gutmann and Zahn to Bülow, A 6977, private Letter, not dated, which arrived at the Foreign Office on April 21, 1909, *Orient. Gen.* No. 13, No. 1, Bd. 4.

112. DAA, "Aufzeichnung", unsigned, for State Secretary, A 16238, October 4, 1909 and A 20570, F.O. to Quadt October 7, 1909, *Orient. Gen.* No. 13, No. 1, Bd. 4.

113. Hallgaten, *op. cit.*, II, 332.

114. DAA, Said - Ruete to Arthur won Gwinner, Private Letter and report, A 8562, March 31, 1910, *Persien* No. 20, Bd. 4 *Persien* No. 20 is entitled "Die Finanzen Persiens")- Arthur von Gwinner was at this time a director of the Deutsche Bank, a prominent financier, and a leading promoter of the Baghdad Railway.

115. DAA, Said - Ruete to Gwinner, private letter and report, A 8562, *ibid.*

116. DAA, Said - Ruete to Gwinner, private letter and report, A 8562, *ibid.*

117. KZ, 350, April 1, 1910.

118. HN, 152, April 2; KZ, 357, April 2, 4, 1910.

119. KZ, 369, April 5, 1910.

120. KZ, 365, April 5; HN, 158, April 6, 1910.

121. *Neue Preussische Kreuzzeitung* (NPKZ) 159, April 7, 1910.

122. HN, 160, April 7, 1910.

123. FZ, 98, April 10, 1910. see also BT, 163, April, 1910.

124. NPKZ, 166, April 11; HN, 166, 167, 170, April 11, 12, 13, 1910.

در ایران مقایسه و نتیجه گرفت که ایجاد شعبه‌ای از بانک و راه‌آهن مقدماتی است از شرکت آلمان در «تقسیم آسیا»، در ۱۵ ماه می ۱۹۰۷ همان روزنامه یکبار دیگر به آلمان در مورد بانک حمله کرد و ادعا نمود که بانک آلمانی حيله‌های پیچیده‌ای را به حساب ایران طراحی می‌کند، و اظهار نمود که آلمان نیز مانند سایر کشورها اروپایی «حریص» است.

98. DAA, Witting to Zimmermann, private letter, A 7909, May 17, 1907, in *Orientalia Generalia*, No. 13, No. 1, Bd. 2.

99. DAA, Witting and Gutmann to Tschirschky, Private letter, A 8956, June 6, 1907, in *Orientalia Generalia* No. 13, No. 1, Bd. 2.

در روزنامه حبل‌المتین، بحث بر له و علیه یک بانک آلمانی کماکان در اوایل ماه ژوئن ادامه داشت. در دوم ژوئن ۱۹۰۷ (بیستم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هجری)، میرزا حسین خان «منشی باشی» هیئت نمایندگی اطریش-لهستان در دفاع از بانک پیشنهاد شده آلمانی مطالبی بر ضد اتهامات جلال‌الدین حسینی (=اسدآبادی)، «سرمقاله‌نویس حبل‌المتین» نوشت. میرزا حسین خان اظهار داشت: «ایران به سرمایه‌نیاز دارد از اینرو، سه بانک از دو بانک معتبر خواهد بود. از اینها گذشته، ترکیه از دوستی آلمان بهره‌مند گشته است، روزنامه حبل‌المتین در ۳ ژوئن (۲۱ ربیع‌الثانی) و ۴ ژوئن (۲۲ ربیع‌الثانی) این اظهارات را رد کرد و برای مخالفت با میرزا حسین خان، پاره‌ای از بحثهای روزنامه استاندارد را مطرح ساخت. بعداً در ۹ ژوئن (۲۷ ربیع‌الثانی)، حبل‌المتین بر سر مسئله اورینت بانک (بانک شرقی) با یکی دیگر از روزنامه‌های تهران، «ایران» (شماره ۴۰، دهم ربیع‌الثانی)، درگیر شده با اشاره به این که ایران روزنامه‌ای دولتی ولی حبل‌المتین، منعکس‌کننده واقعی خواست مردم بود. هرچند این حمله به آلمان در ستونهای روزنامه حبل‌المتین ممکن است الهام گرفته از روس‌ها یا انگلیسی‌ها باشد ولی احتمال قویتر آن است که این روزنامه نظرات گروه معینی از ناسیونالیست‌های ایرانی را راجع به روابط ایران و آلمان منعکس می‌ساخت.

100. MAZ, 336, July 23, 1907.

101. HN, 519, July 26, 1907; KZ, 779, same day.

102. *Münchener Neueste Nachrichten* (MNN), 348, July 27, 1907.

103. *Weltkorrespondenz*, quoted in HN, 549, August 7, 1907, There is a similar report in BT, 408, August 13, 1907.

104. KZ, 20, January 7, 1908. See also, an article by P. Stauff, "Die deutsche Bank in Tehran und der deutsch-persische Handel", in *Asien* (Berlin) 7, 1908, 65 - 68.

105. DAA, Gutmann to Tschirschky, A 4110, March 17, 1908, *Orientalia Generalia*, No. 13, No. 1, Bd. 3.

۱۰۶. برای مثال، رجوع کنید به مقاله‌ای که درباره «نفوذ آلمان در ایران» در روزنامه تایمز شماره ۳۰ مارس ۱۹۰۸ آمده. سفارت آلمان در لندن، این مقاله را برای ویلهلم شتراسه فرستاد - زمانی که مقاله رسید، بخش مطبوعات رسمی دولت

است. (نامه خصوصی گاسترز به مدیران بانک در تاریخ هفده ژانویه سال ۱۹۱۱).
 142. DAA, Gassner to directors of the Orientbank, A 2450, private letter, January 17, 1911, *Persien* No. 20, Bd. 5.
 ۱۴۳. سر آرتور نیکلسون عقیده داشت که فعالیت های آلمان در ایران از بیم ایزولاسی نسبت به آلمان نکاسته بود بلکه وی را بیشتر بر آن داشته بود تا مذاکراتش را فعالتر از گذشته ادامه دهد.

این نوشته، خاطرات سیاسی منتشر نشده درباره فعالیت های نیکلسون از ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ است که توسط سر هارولد نیکلسون به نویسنده امانت داده شد.
 144. Harold Nicolson, Sir Arthur, First Lord Carnock, London 1930, 260-261. There is also an excellent analysis of English and Russian motives in Seeking an agerrment in Seton Watwon, op. Cit., 325-328.

۱۴۵. برای مثال، در ۲۴ اکتبر ۱۹۰۵، میگل از سنت پترزبورگ به بولو نوشت:
 ... بنظر من، انگلستان احتمالاً از نتیجه یک معاهده ویژه (با روسیه) بر سر حوزه های منافع در آسیای مرکزی، لقمه خوبی بدست آورد. این مسئله سودمند خواهد بود بینیم آیا انگلستان برای نفوذ دائمی در ایران کار می کند یا این که برای حفظ یک حالت موازنه فقط می خواهد رابطه اش را با روسیه متعادل نگه دارد... این که از انگلستان از یک طرف باید در آسیا بیشتر ترسید و از طرف دیگر وی می تواند بیشتر از آلمان پیشنهاد دهد، در اینجا معلوم نیست....

(DAA, Miquel to Bülow, A 18931, october 24, 1905, *Persien* No. 1, Bd. 20.)
 146. DAA, The Teobune, May 24, 1906. *Persien* No. 1, Bd. 20.
 147. DAA, The Teibune, May 24, 1906, *ibid.*
 148. DAA, Der Tag (Berlin) August 2, 1906, *Persien* No. 2, Bd. 11. This article is headlined: "Persiens Politik gegenüber Russland und England."
 149. GP. Richthofen ti Bülow, Nr. 8573, August 6, 1906, Bd. 25/1. 100.
 بین دیلی میل و برلینر لوکالان تسایگلر در ماه آگوست، کشمکش وجود داشت و به حملات سنگینی بر سیاست آلمان در ایران در ۲۸ آگوست توسط مطبوعات بریتانیا منجر شد. این مطبوعات، موقعیت ایران را بحرانی یافتند و اکنون که روسیه فلج گردیده بود، فرصت خوبی به آلمان دادند.
 (DAA, Brrliner lokalanzeiger, August 28, *Persien* No. ۱.)
 150. GP, Richthofen to Bülow, Nr. 8573, *ibid.*

۱۵۱. به روزنامه مربوط به یک کنفرانس ویژه درباره امور ایران در آرشو کراسنی ۵۶، (۱۹۳۳)، ۵۹-۵۵.
 Lamsdorff, kokovtsov, Rödiger (Minister of war), obolenski, Arggropulo, Hartwig, Timashev, Grube (Finance Ministry Agent for Persia), and Bark were present at this Conference.

125. VS (Vorwärts), 115, May 20, 1910.
 126. DAA, *The Standard*, April 23, 1910, *Persien* No. 1, Bd. 42.
 127. DAA, *The Standard*, April 23, 1910, *ibid.* Quotation from *Birzheviya Vyed-omosi* of April 22.
 128. DAA, *Daily Telegraph*, April 23, 1910, *Persien* No. 1, Bd. 42.
 129. DAA, *The Standard*, April 23, 1910, *ibid.*
 130. HN, 199, April 30; 202, May 2; and KZ, 515, May 11, 1910.
 131. NPKZ, 222, May 14; FZ, 135, May 18- BT, 245, May 18; HN, 226, May 18, 1910.
 132. KZ, 544, May 19; 549, May 20; NPKZ 227, same day; HN, 227, 228, 232, May 19 and 21; FZ, 137, May 20, 1910.
 133. KZ, 558, May 22; 1910.
 134. NPKZ, 245, May 29, 1910. Also HN, 247, May 31; BT, 257, May 24, 1910.
 135. DAA, Radolin fo Bethmann - Hollweg, A 7252, April 1910, *Persien* No. 1, Bd. 42.
 136. DAA, *Vossische Zeitung*, May 15, 1910, in *Persien* No. 21, Bd. 1. These comments appear to be to an official view of the Wilhelmstrasse.
 137. See H. Grothe *Zur Natur und Wirtschaft von Vorderasien, I, Persien, III, Serie, II. Heft* (Frankfurt / Main 1911), 81 - 82. For the Persian Cossack Brigade. see Firuz Kazemzadeh, "The origin and early development of the Persian Cossack Brigade", in *American Slavic and East European Review*, 15, 1956. 351 - 368-
 138. DDA, Quadt to Bethmann - Hollwey, A 19437, November 12, 1910, (referring to a private letter by Said Ruete to the Foreign Office, A 19393, of October 25, 1910) *Persien* No. 20, Bd. 5.
 139. See G.W.F. Hallgarten, *op. cit.*, II, 144.
 140. DAA, M.O. Schünemann to Quadt A 14306, August 23, 1910, *Persien* No. 1, Bd. 43.

۱۴۱. گاسترز عقیده بدینانه ای نسبت به بازرگانان ایرانی داشت. او می گفت: «از نظر اخلاقی» بازرگانان ایرانی هر چیزی را رها می کنند تا وقتی که مطلوب واقع شود. و بهمین علت ارتباط بازرگانی با ایرانیها بی نهایت خطرناک است. مانور عمده ایرانی، در اولین ارتباط تجاری با اروپائیها باید براساس پرداخت صحیح، دقیق و بموقع و منظم باشد، در نهایت اروپایی ها وقتی اطمینان حاصل می کنند که یکسره شود و مغبون شده باشند. ایرانی صبور است و به پشت هم اندازیهایش سالها ادامه می دهد. او به منظور اینکه یک ریسک بزرگی را دست آخر بکند خودش را به اروپائی برای مدت زیادی قابل اعتماد جلوه می دهد. برای ایرانی خود را ورشکسته اعلام کردن اهمیت ندارد - او از شرافت شغلی احساسی ندارد - خلاصه برای او این تصور وجود ندارد. بعداز یک ورشکستگی صوری او به شهر دیگری می رود و نام خود و کارخانه اش را تغییر می دهد. صدها موارد مثل این پیدا شده

164. There is an excellent Summary of these negotiations in J.B. Wolf, OP. Cit., 72-74-

هدف اصلی ولف، توصیف عملکرد راه‌آهن بغداد بعنوان منبع آشفتنگی در سیاست‌های اروپائی است.

For a Russian account, see A. Popov, "stranitsa iz Istorii Russkogo Politika V Persii" in Mezhdunarodnaya zhizn, 4-5 (1924), 133-164-

165. GP, schön to Bülow, Nr. 8580, February 20, 1907, Bd. 25/1, 112-123.

اکثر مطالب پرونده‌های آلمانی درباره این موضوع تاکنون در جی پی منتشر گردیده است. لازم است این موضوع را در اینجا مرور کنیم زیرا در غیر اینصورت، خواننده، آگاهی ناقصی از یک دوره مهم از فعالیت دیپلماتیک آلمان در ایران خواهد داشت.

166. GP, schön to Bülow, Nr. 8580, ibid., and Tschirschky to Marschall, Nr. 8581, February 26, 1907, Bd. 25/1, 124-125.

۱۶۷. مارشال، بدون شک بین پیشنهاد فعلی روسیه و سعی آن در بستن قراردادی مشابه در ۱۸۹۹ بر سر مخالفت با ساختن راه‌آهن بغداد به ترکیه مشابهتی می‌دید. رضایت روسیه، ارزش زیادی نداشت مگر آن که روی کالاهای آلمانی که از طریق روسیه به شمال ایران وارد می‌شوند حق ترانزیت می‌گذاشت.

168. GP, Marschall to Bülow, Nr. 8582, March 17, 1901, Bd. 25/1, 125-129.

169. GP, Tschirschky to schön, Nr. 8584, April 13, 1907, Bd. 25/1, 130-131.

170. GP, Stemrich to F.O., Nr. 8586, June (, 1907, Bd. 25/1, 134.

شتمریش، در یک واقعه قبلی، ارتباط بیشتری با نقشه‌های راه‌آهن روسیه داشت. اگر روسیه، یک خط آهن از جلفا به قزوین، همدان تا خاتقین (با شعبه‌ای به تهران) می‌ساخت، عملاً می‌توانست از یک انحصار تجارت، خودش را مطمئن سازد. این کار، جاده کاروان ارزش روم-تبریز را از بین می‌برد و فایده جاده بغداد-خاتقین-تهران را کاهش می‌داد. شتمریش ادامه می‌دهد: «اگر روسیه این هدفها را دنبال می‌کند، واضح است که اولاً توافق با هر ایزولسکی نه تنها به تجارت ما با شمال ایران صدمه می‌زند بلکه آن را نابود می‌سازد و ثانیاً روسیه هرگز با راهی که شمال ایران را به راه‌آهن بغداد متصل سازد موافقت نخواهد کرد؛ در نتیجه، امتداد خط بغداد-خاتقین کاملاً تابع سیاست اداری و تعرفه روسیه خواهد بود. تحت چنین شرایطی، بنظر من، همکاری آلمان با روسیه در ایران، با منافع ما در اینجا ناسازگار خواهد بود.

(DAA, Stemrich to F.O., A 1295, January 5, 1907, Persien No. 1, Bd. 23). All of stemrich's apprehensions were realized by the Conerntion of 1911.

171. GP, schön to Bülow, Nr. 8588, July 23, 1907, Bd. 25/1, 137-139.

172. GP, schön to Bülow, Nr. 8590, July 25, 1907, and Mühlberg to schön, Nr 8589, July 12, 1907, Bd. 25/1, 140-145.

152. Ibid., 57.

153. Ibid., 58.

۱۵۴. وزیر مختار ایران در پاریس، تسلیحاتی به ارزش ۵ میلیون فرانک به شرکت‌های فرانسوی سفارش داده بود. بانک‌های دو پاریس و دوپیزپا براساس راهنمایی سنت‌پترزبورگ از اعطای اعتبار برای این خرید امتناع کردند - زیرا روسیه قصد داشت تدارکات لازم را از موجودیهای غیرمستعمل ما فراهم آورد. (Ibid., 58, 59.)

۱۵۵. به روزنامه مربوط به یک کنفرانس ویژه درباره امور ایران، ۷ سپتامبر، ۱۹۰۶ در آرشیو کراسنی، ۵۶، ۱ (۱۹۳۳)، ۶۴-۵۹ مراجعه شود. در این کنفرانس، علاوه بر گروب، رئیس بانک استقراضی ایران، ایزولسکی، کوکووتسوف و چند تن از اعضای وزارت امور خارجه و افراد نظامی شرکت داشتند.

156. Ibid., 61.

157. Ibid., 62.

158. DAA. "Aufzeichnung" by Mühlberg, As 1045, October 29, 1906, Persien No. 1, Bd. 22, Identical text in GP, Nr. 8649, Bd. 25/I 231-234.

159. DAA. "Aufzeichnung" by Mühlberg, As 1045, ibid. and GP, "Aufzeichnung-" by Schön, Nr. 7634, October 30, 1906, Bd.

برای بحثی از کارشناسان مالی خارجی و بانک ملی آینده به مذاکرات مجلس، دوره اول (تهران، مطبوعات مجلس)، ۲۹۱-۲۸۸. (یک شعبان ۱۳۲۴ - ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۶) مراجعه شود.

160. DAA, Miquel to Bülow, A 15392, September 8, 1906, Persien No. 1, Bd. 21.

161. DAA, Miquel to bülow, A 18026, October 23, 1906, Persien No. 1, Bd. 22.

روزنامه مورینگ پست لندن در شماره روز بعد، اظهارات نوییورمیا را گواهی بر یک «لحن جدید مسالمت‌آمیز» یافت ولی روزنامه ضد حکومتی تریبون در ۲۵ اکتبر به نوییورمیا بخاطر نسبت دادن انگیزه‌های شیطانی به آلمان، نقشه یک حمله به هندوستان و قصد نابودی استقلال ایران حمله کرد. روزنامه سنت‌پترزبورگ در ۳۰ اکتبر به تریبون پاسخ داد و باعث جواب دیگری از تریبون در ۳۱ اکتبر گردید.

The whole dispute is clipped in Persien No. 1, Bd. 22.

162. GP, stemrich to Bülow, Nr. 8579, December 6, 1906, Bd. 25/1, 121.

امیر بهادر جنگ، بعدها یکی از رهبران حزب ارتجاعی طرفدار روسیه گردید و بعداً نیز در ۱۹۰۹ از ایران تبعید شد.

See E.G. Browne, The Persian Revolution (London 1910), 330 and Kasravi, OP. Cit, I (chapter 20, 167-180, which describes the part palged by Amir Bahadur Jang on the returnof the shah from exile in 1911.

163. GP, Stemrich to Bülow, Nr. 8759, ibid.

۱۹۰. سالارالدوله (ابوالفتح میرزا) یکی از اخلاف متعدد قاجار بود که وقتی مظفرالدین شاه، محمدعلی را بعنوان ولیعهد خود تعیین کرد کنار گذاشته شد. سالارالدوله که جاه طلب و فرصت طلب ولی عاری از قدرت سازمان دهی بود ابتدا تظاهر کرد که یک مشروطه طلب است ولی بعداً علیه محمدعلی طغیان کرد و به مشروطه طلبان حمله نمود. این شورش سرکوب شد و سالارالدوله در ژوئن ۱۹۰۷ دستگیر گردید.

(See Kasravi, OP. Cit., II, 177-120. and E.G. Browne, OP. Cit., 141-142)

191. GP, Quadt to Bülow, Nr. 8502 and Schön to Quadt, Nr. 8603, April 1 and 21, 1908, Bd. 25/1, 172-173.

192. Kasravi, OP. Cit., III, 252 Mentions a Nationalist troop Commander named Jevad Khan Haji Khwajahlv who May be the same Person.

193. DAA, Quadt to Bülow, A 9819, June 13, 1908, Persien No. 1, Bd. 30.

حکومت سلطنتی در این زمان، علناً امیدوار بود که بین روسیه و انگلستان اختلاف ایجاد شود.

احتمالاً این مسئله، در تصمیم آلمان مبنی بر اخراج همه پناهندگان از زمینهای سفارت بجز افراد کاملاً مشخص نقشی ایفا کرد.

194. GP, Quadt to Bülow, Nr. 8600, March 4, 1908, Bd. 25/1, 167-169. the articles appeared in the newspaper Majlis on the 24 and 26 of February, 1908. For the Carpet firm, See DAA, Private letter to Bülow, A 7570, May 9, 1908, Persien No. 12, Bd. 1.

195. OP, Quadt to Bülow, Nr. 10069, May 18, 1908, Bd. 27/II, 721-722.

196. GP, Quadt to Bülow, Nr. 10070, June 3, 1908, Bd. 27/II, 723-724.

197. DAA, Pourtales fo Bülow, A 9436, June 15, 1908, Persien No. 6, Bd. 5.

198. GP, Quadt to Bülow, Nr. 10071, July 3, 1908, Bd. 27/II, 724-726.

199. GP, Quadt to Bülow, Nr. 10071, ibid.

200. GP, Pourtales to Bülow, Nr. 10073, September 13, 1908, Bd. 27/II, 727-729.

201. DAA, Telegram to Empress Augusta Viktoria, A 18934, September 8, 1908, Persien No. 1, Bd. 30. Text of the telegram, with its bad French exactly reproduced, is as follows:

"A.S.M. L'Imperatrice Augusta Viktoria Pera 8.9.08 Neues Palais [Potsdam].

Le comite de dames persanes de Constanticople font en Consideration de leurs soeurs en perse un humble apple a votre Majeste au nom des femmes et de L'Humanite de daugner user de votre gracieuse influence en intervenant pour nos soeurs afin de mettre un terme aux meurtres et au sang verse en Perse d'un maniere indescriptible de Cruaute sur nos soerus par les troupes et sur l'ordre du chah daignez Majeste agrer sur infini reconnaissance de vos humbles srrviteurs.

la Presidente du Comite Aliah Secretaire Zahren"

173. Popov, loc. Cit., 157.

174. Ibid., 157.

175. GP, Miquel to Bülow, Nr. 8591, October 2, 1907, Bd. 25/1, 145-146.

176. GP, Nrs. 8592, 8594, 8585, December 21-29, 1907, Bd. 25/1, 147-156.

177. A detailed analysis of the Collapse of these negotiations is given in J.B. wolf, op. Cit, 74-76.

178. KZ, 1269, December 5, 1907, Also HN, 870, December 11; Fz, 344, December 12, MAZ, 576, December 12, 1907.

179. MAZ, 578, December 13, 1907.

180. Kz, 1306, December 14, 1907.

181. Kz, 1308, December 14; also MaZ, 580, same day; Fz, 348, December 16, 1907.

182. HN, 882, December 16, 1907.

183. Fz, 351, December 19, 1907; slao in Maz, same day, MNN, December 20.

184. MNN, 594, December 20, 1907.

185. MNN, 596, December 21, and HN 907, December 28, 1907.

سرهاولد نیکلسون در ۱۹۳۶ (۴) رمانی نوشت تحت عنوان چهره‌های عمومی که شرحی داستانی از حادثه ابوموسی است. همچنین به مقاله بی نام و امضاء زیر رجوع شود که مؤلف در آن به تفسیری که از حادثه ابوموسی در شماره ۲۹ تاریخ جنگ تایمز آمده اعتراض کرده است:

"Englische Machenschaften gegen den deutschen Handel am Persischen Golf", in Deutsche Levante zeitung. 1915 (Hamburg) 5, Nr. 13-14, 311-312. An article by Eugene staley, "Business and Politics in the Persian Gulf", in Political Science Quarterly, 48, 1933, 367-385, deals with the wönckhaus firm.

186. Anonymous article in Asien (Berlin) 7, Heft 4, January 1908, 58-60.

۱۸۷ — احتشام السلطنه از سپتامبر ۱۹۰۷ تا آوریل ۱۹۰۸ بعنوان رئیس مجلس خدمت

کرد. وی همچنین سفیر ایران در برلین بود و نقشی در برخوردهای مرزی ایفا کرد.

(See Kasravi, op. Cit., II, 191.)

احتشام السلطنه در واقع کاملاً طرفدار آلمان بود. به اظهارات وی در مورد مزایای یک مدرسه آلمانی در تهران در مذاکرات مجلس، دوره اول (تهران، مطبوعات مجلس) ۴۴۱-۴۴۰ مراجعه نمایید. [۱۹ ذیحجه ۱۳۲۵ برابر با ۲۵ اژانویه ۱۹۰۸- مخبر السلطنه و صنایع الدوله برادر بودند و اعضای خانواده مشهور هدایت بودند. صنایع الدوله همچنین بعنوان رئیس مجلس خدمت کرده بود.

(See GP, Schön to Pourtales, Nr. 8595, December 29, 1907, Bd. 25/1, 155-156). see also E.G. Browne, OP. Cit., 155-199.

188. GP, Richthofen ti Bülow, Nr. 8598, January 17, 1908, Bd. 25/1, 162-166.

189. GP, Schön to Quadt, Nr. 8597, January 25, 1908, Bd. 25/1, 157-161.

بولو که هنوز برای ایجاد یک شکاف امیدوار بود گفت: «ظاهراً نامعلوم است که آیا مداخله روسیه که خواسته شاه است، به منافع ما خسارت وارد می‌کند. احتمالاً، نتیجه آن، ایجاد مشکلات بین روسیه و انگلستان و مالاً بین این دو و ترکیه (و جهان اسلامی) خواهد بود ولی ما نباید نگران باشیم.»

214. GP, Schön to Pourtales, Nr. 10082, May 1, 1909, Bd. 27/II, 740-741.

در ۲۸ آوریل، ایزولسکی، شونمان، نماینده کنسول آلمان در تبریز را متهم کرد که ذهن مردم ایران را در مورد روسیه آشفته می‌سازد و شایعاتی پخش می‌کند مبنی بر قصد روسیه به انضمام کل آذربایجان. طبق نظر ایزولسکی نماینده کنسول آمریکا، از اعمال شونمان انتقاد کرد و فعالیت‌های وی را برای تمام خارجی‌ان خطرناک خواند.

(DAA, Pourtales to F.O., A 7305, April 28, 1909, Persien No. 1. Bd. 36).

کوآدت از تهران، کار شونمان را تصحیح کرد و به وی گفت کار وی، میانجیگری بین ملی‌گرایان و سپاهیان شاه نیست بلکه فقط حمایت از اتباع آلمانی و داریایی‌های آنها است.

(DAA, Quadt to F.O., A 9318, May 14, 1909, Persien No. 1, Bd. 37).

215. DAA, Pourtales to F.O., A 11417, July 6, 1909, Persien No. 1, Bd. 38.

۲۱۶. توضیح سابلین بقرار زیر بود: دو ماه قبل، یک مسلمان روسی از باکو توسط افراد کلنل لیاخوف دستگیر شد. در میان وسایل وی، وسیله‌ای برای نصب پلاکارد، یک پاسپورت بی‌نام و دو نامه درباره معاملات مالی و تعدادی اوراق ملی‌گرایان، پاسپورت و اوراق به یک مهر جوهرآبی مهور شده بودند که روی آن چنین نوشته شده بود: «زنده باد مشروطیت، آزادیخواهان آذربایجان، شعبه آلمان.» شخص دستگیر شده در مقابل این سؤال که مفهوم این مهر چه است. هیچ جوابی نداشت. وی بزودی آزاد گردید و عاقبت به باکو برگشت. سابلین معتقد بود که این دسیسه توسط نیکلا آلكساندروویچ هارتویگ و رئیس کنسول روسیه در تبریز، دو نفر مرتجع که بخاطر دشمنیشان با آلمان‌ها معروف بودند، طراحی گردیده بود.

(DAA, Quadt to Bethmann - Hollweg, A 13834, August 7, 1909, Persien No. 1, Bd. 40).

۲۱۷. متن نامه بقرار زیر است:

— ۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۷ (۵ ژولای ۱۹۰۹)

به کنسول حکومت پادشاهی آلمان در بغداد

در چهاردهم جمادی الاول ۱۳۲۴، حکومت ایران اجباراً متعهد گردید که بدون تأیید نمایندگان مردم، هیچ قرارداد یا امتیازی با دول خارجی منعقد نسازد. ما بعنوان رهبران روحانی مردم ایران به شما بعنوان نماینده حکومت پادشاهی آلمان اطلاع می‌دهیم که هرگونه قراردادی که با مشروطیت تباین داشته باشد غیر معتبر در نظر گرفته خواهد شد. از شما تقاضا داریم حکومت خود را از این امر آگاه سازید. همچنین، جایی که سپاهیان روسیه به بهانه

202. GP, Quadt to Bülow, Nr. 10076, Dec. 18, 1908, Bd. 27/II, 731-732.

203. GP, Marschall to F.O., Nr. 10074, October 26, 1908, Bd. 25/II, 729-730.

204. DAA, Pourtales to G.O., A 18195, November 3, 1908, Persien No. 1, Bd. 33.

205. DAA, Süddeutsche Reichskorrespondenz, January 20, 1909, A 1277, Persien No. 3. Bd. 3.

آخرین پاراگراف انکار رسمی چنین است: «... این همه اظهار، این همه دروغ! حرکات ارتش ترکیه در قفقاز و مناطق مرزی ایران که در سنت پترزبورگ با سوء ظن به آن نگاه می‌شد مورد تأیید آلمان نبود. دیپلماسی ما درباره این امر در قسطنطنیه مکرراً فعال بوده است... این مسئله در سنت پترزبورگ معروف است.

همچنین در آنجا معلوم است که آلمان هرگز برای تجدید سازمان ارتش ایران به شاه پیشنهاد نداده است. گزارش دروغ اعزام افسران آلمانی و ان‌سی او به ایران، یک دروغ است که هیچ فرد هوشمند روسی نباید گول آن را بخورد. این شایعات، بدون شک براساس فعالیت‌های یک آلمانی بنام هاس بود که بعنوان کارشناس نظامی با ملی‌گرایان همکاری می‌کرد. برای تجدید قراردادهایی در ۱۹۱۱ به مذاکرات مجلس، دوره دوم، قسمت دوم، ۸۷۹—۸۷۸ مراجعه نمایند. این بحث در ۹ صفر ۱۳۲۹، ۹ فوریه ۱۹۱۱ صورت گرفت.

206. DAA, Manchester Guardian, January 22, 1909, Persien No. 1, Bd. 34. On This day the Guardian Published a violent leading article roasting the times and the government's policy of cooperation with Russia in Persia.

207. GP, Tschirschky to Bülow, Nr. 10078, February 1, 1909, Bd. 27/II, 734-735.

208. DAA, Aerenthal to Szögyéhy - Marich, A 2929, February 8, 1909, Persien No. 1, Bd. 35.

209. In a despatch of April 10, 1909 (DAA, A 7388, Persien No. 1, Bd. 36)

کوآدت گزارش کرد که وزیر مختار اطریش در تهران برای ایضای نقش، هر کوششی را بعمل آورده است. رفتار هرون روستورن آنقدر قابل ملاحظه بود که مردم فکر می‌کردند که وی در صورتیکه دستورات مشخصی نداشته باشد نمی‌تواند مسئولیت آن را تحمل نماید. این ایده به این شکل بیان شد که اتریش خواهان درگیری روسیه در ایران بود تا دست آزادی در بالکان داشته باشد. این مسئله برای من غیر قابل تصور است. روسیه قادر است با چند هزار نفر تمام ایران را اشغال نماید و هر کاری که می‌خواهد در اینجا انجام دهد بطوریکه هر نوع انحراف مهمی در نیروهای روسیه توسط ایران غیر ممکن است...»

210. GP, "Aufzeichnung" by schön, No. 10079, February 15, 1909, Bd. 27/II, 735-737.

211. GP, Quadt to Bülow, Nr. 10080, April 9, 1909, Bd. —/II, 737-739.

212. GP, Quadt to Bülow, Nr. 10080. ibid, marginal note.

213. See GP, Nr. 10081, Schön to Bülow, April 10, 1909, Bd. 27/II, 739-740. In his reply (DAA, A 6937, April 11, 1909, Persien No. 1, Bd. 36)-

Bd. 2, Sattar khan is described by Brown OP. Cit. 441-442, as an "ignorant Qaradaghi horse dealer" and a "theatrical brigand". Kasravi, OP. Cit., III, chapters 11 and 12 (3-191) discusses the exploits of Sattar Khan as a Nationalist troop Commander in great detail.

227. DAA, Quadt to Bethmann-Hollweg A 20572, November, 30, 1909, Persien No. 12, Bd. 2.

در روزنامه استاندارد، ۶ آوریل ۱۹۰۹، مقاله جالبی درباره تجارت و قاچاق اسلحه وجود داشت. برطبق این شرح آنت ووب و هامبورگ، بزرگترین مراکز تجارت بودند که از آنجا، بسیاری از شرکتهای کاتالوگهای حاوی قیمت تقریباً ۵ نوع تفنگ، طپانچه یا توپ با هر میزان مورد نیاز را می فرستند.

در ارتباط با این موضوع به بحث مأموریت سه نفر که در ۱۹۱۰ برای خرید ۲۰,۰۰۰ تفنگ به آلمان فرستاده شدند رجوع کنید. این مطلب در مذاکرات مجلس، دوره دوم، قسمت اول، ۲۹۸-۲۹۵ (۱۵-۱۳ جمادی الشانی ۱۳۲۸ برابر با ۲۵-۲۳ مه ۱۹۱۰) بحث گردیده است.

228. GP, Quadt to F.O., A 314, December 18, 1909, Bd. 27/II, 749-750.

229. GP, Quadt to F.O., A 314 ibid.

230. GP, Schön to Metternich, Nr. 10090, January 1, 1910, and Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10091, Bd. 27/II, 750-751.

231. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10091, ibid.

232. GP, Quadt to F.O.m, No. 10092, February 16, 1910, Bd. 27/II, 752. Also, DAA, Quadt to Bethmann - Hollweg, A 1947, January 19, 1910, Persien No. 1, Bd. 42.

233. GP, Schön to Pourtales, Nr. 10093, February 26, 1910, Bd. 27/II, 753-754.

234. GP, Metternich to Bethmann - Hollweg, Nr. 10094, March 8, 1910, 27/II, 755-756.

235. DAA, Quadt to F.O., A 4405, Telegram No. 27, March 12, 1910, Persien No. 1, Bd. 42.

236. DAA, Pourtales to Bethmann - Hollweg, A 4611, March 13, 1910, Persien No. 12, Bd. 2. Same text in GP, Bd. 27/II, 757-759.

237. GP, Schön to Poertales Nr. 10093, February 26, 1910, Bd. 27/II, 753-754.

238. GP, Methernich to F.O., Nr, 10099, March 22, 1910, Bd. 27/II, 762-763.

239. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10100, March 24, 1910, Bd. 27/II, 764-763.

240 DAA, "Aufzeichnung" by schön, A 5312, March 26, 1910, Persien - No. 12, Bd. 1.

241. GP, Poertales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10100, ibid.

242. GP, Tschirschky to Bethmann - Hollweg, Nr. 10101, March 25, 1910, Bd. 27/II, 762.

243. DAA, Kühlmann to F.O., A 5859, April 5, 1919, Telegram No. 36, Persien

حمایت از اتباع روسیه و جلوگیری از آشوب وارد خاک ایران شده اند، آشکار است که ماندن این سپاهیان باعث آشفته گی عمومی در بین مردم و علت خونریزی بیشتر خواهد گردید. از اینرو از حکومت پادشاهی آلمان تقاضا داریم از حکومت روسیه بخواهد تا سربازانش را از ایران بیرون ببرد همانطور که حکومت انگلستان، سپاهیان را از بوشهر خارج ساخت.

رهبران روحانی مردم ایران

(مهر و امضاء)

محمدحسین العماری؛ محمد بقا طباطبائی؛ شیخ شریعت اصفهانی؛ عبدالله مازندرانی؛ محمد کاظم خراسانی.

(DAA, Mutius to Bülow, A 13244, July, 1909, Persien No. 1, Bd. 40). Three of the signers of this letter were leaders of a pro-Nationalist clerical group; Muhammad kazem khurasani, Abdallah Mazanderani, and Saggid Muhammad (Baqir) Tabatabai. There is frequent mention of them in Kasravi, OP. Cit., and in Browne, OP. Cit., the other two ecclesiastics are harder to identify, but they were doubtless Shia clergymen of lower rank.

218. DAA, "Aufzeichnung" by Zimmermann, A 11910, July 16, 1909, Persien No. 1, Bd. 39. The "Aufzeichnung" in GP, Nr. 10084, July 12, 1909, Bd. 27/II, 742-743 is an early and fragmentary draft of the DAA document.

219. DAA, Quadt to Bülow, A 13403, July 21, 1909, Persien No. 1, Bd. 40.

220. DAA, Berliner Tageblatt, September 28, 1909, clipped in Persien No. 1, Bd. 41. Also GP, Quadt to Bethmann - Hollweg, Nr. 10087, August 1, 1909, Bd. 27/II, 745-746.

221. GP, Quadt to Bethmann - Hollweg, Nr. 10087, 10089, August 1 and 3, 1909, Bd. 27/II, 745-747.

۲۲۲. اگرچه این قرارداد رسماً پنهان بود ولی بعداً بعنوان یکی از شرایط وام روسیه در ۱۹۰۰ روشن گردیده بود. این قرارداد که در ۲۷ اکتبر ۱۸۸۹ امضاء گردید تا ۱۸۹۰ معتبر نگردید. درباره قضیه راه آهن روسیه در ایران به منبع زیر مراجعه نمائید:

W. Terue, "Russland und die Persischen Eisenbahnbauten vor dem Weltkrieg", in Archiv für Eisenbahnwesen (Berlin, 1939), 471-494.

223. DAA, Pourtales to No. 1, Bd. 40. Novy Vyecher was a St. Petersburg evening newspaper.

224. DAA, Pourtales to Bethmann-Hollweg, A 20224, December 8, 1909, Persien No. 1, Bd. 42.

225. DAA, Pourtales to Bethmann - Hollweg, A 17404, December 8, 1909, Persien No. 1, Bd. 41. The articles appeared in Nos. 34 and 35 of Iran-i No for October 4 and 6, 1909. Quadt thought the articles were based on a "Russian distortion" of a Berliner Tageblatt story.

226. DAA, M.O. Schünemann to Quadt, A 20571, November 18, 1909, Persien No. 12.

257. GP, Nrs. 10116-10121, May 11-17, 1910, Bd. 27/II, 789, 795.

258. GP, See Nrs. 10122-10128, May 18-28, 1910, Bd. 27/II, 796-802.

۲۵۹. کنت برنستورف از واشنگتن به وزارت امور خارجه گزارش کرد که وزیر کشور، پی.سی. ناکس در بحران ایران علاقه نشان داده بود. واشنگتن آماده بود تا از اهداف حکومت پادشاهی آلمان بر سر یک مقوله اخلاقی بین المللی حمایت نماید زیرا، اصل درهای باز، حتی در نقاط دور افتاده‌ای چون ایران برای ایالات متحده، یک مسئله مهم و حیاتی تلقی می شد.

(GP, Bernstorff to F.O., Nr. 10129, May 29, 1910, Bd. 27/II, 802-803.)

سئون، قبلاً بخاطر کمک آمریکا خیلی سپاسگزار بود ولی اکنون که بحران، شدت خود را از دست داده بود، اعتراض مشترک آلمان-ایالات متحده به انگلستان و روسیه زائد بود.

260. DAA, TSchirschky to Bethmann - Hollweg, A 8739 19, 1910- Persien No. 21, Bd. 2.

261. GP, Bethmann - Hollweg to Tschirschky, Nr. 10131, June 21, 1910. Persien No. 21, Bd. 2.

262. DAA, Pester Lloyd, May 15, 1910, Clipped in Persien No. 21, Bd. 1.

263. DAA, Berliner Tageblatt, May 18, 1910, Persien No. 21, Bd. 1.

264. DAA, Daily Mail, May 17, 1910, Persien No. 21, Bd. 1.

265. DAA, Deutsche Tageszeitung (Berlin), May 17, 1910, Persien No. 21, Bd. 1.

266. DAA, Standard, May 17, 1910, Persien No. 21, Bd. 1.

267. DAA, Deutsche Tageszeitung, May 18 and 19, Persien No. 21, Bd. 1.

268. DAA, St. Petersburg Herold, 3/19 May 1910, Persien No. 21, Bd. 2.

269. GP, Quadt to F.O., Telegram No. 64, Nr. 10133, August 9, 1910, Bd. 27/II, 807-809.

270. DAA, Pourtales to Bethmann - Hollweg, A 13739, August 10, 1910, Persien No. 21, Bd. 3.

271. GP, Kiderlen to Quadt, No. 10124, August 10, Bd. 270II, 809.

In another Communication of August 13, the Foreign office Castigated Quadt for involving the Italian diplomat which had given the affair a "besonderen politischen Beigeschmach", and told him not to be surprised that Poklecski "eine grosse Politische tat aufzubauschen Versucht hat".

272. DAA, Pourtales to Bethmann - Hollweg, A 13999, August, 15, 1910, Persien No. 21, Bd. 3.

این که روسیه، واقعه کوادت را جدی تلقی کرد از طریق عمل سفیر روسیه در برلین نشان داده شد که با نگرانی از کیدرلن در مورد عمل کوادت که از پیش خبر تغییر در سیاست آلمان در ایران را می داد سؤال نمود.

No. 12. Bd. 2. Also in G.p. 27/II, 10104, 772.

244. DAA, Kühlmann to Bethmann, A 5771, April 2, 1910. Persien No. 12, Bd. 1.

245. DAA, The Times, March 31, 1910, in Persien No. 20, Bd. 3. The article in the Vossische Zeitung appeared on March 30.

246. DAA, Kühlmann to Bethmann - Hollweg, A 6108, April 7, 1910, Persien No. 12, Bd. 1. See Daily Telegraph for same day.

247. DAA, Clippings from all these papers in A 6873. Political Report No. 325 for April 18, 1910, in Persien No. 20, Bd. 3.

248. DAA, Kohlhass to Bethmann - Hollweg, A 6944, April 19, 1910, Persien No. 20, Bd. 3 (Golos Moskv, No. 78, 6/19 April 1910).

249. DAA, Mirbach - Harff to Bethmann - Hollweg, A 6939, April 20, 1910, Persien No. 1, Bd. 42, (Ryech, 7/20 April, 1910).

250. See GP, unsigned, undated "Aufzeichnung", Nr. 10105, Bd. 27/II, 772-774.

نویسنده عقیده داشت که تفاهم بین آلمان و روسیه بر سر ایران هیچ اشکالی را پیش نخواهد آورد و اساساً همان مطالبی را برای مذاکره پیشنهاد کرد که سه سال قبل مورد بحث قرار گرفته بود.

۲۵۱. بین سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۰، مسئله حق ترانزیت قفقاز، نکته خیلی ناراحت کننده‌ای در برلین بود. در مه ۱۹۰۹، یک نفر بنام جهمرات کورنر به زیمرن پیشنهاد کرد که آلمان به روسیه بخاطر نقض ماده ۵ پیمان تجارت ۱۸۹۴/۱۹۰۴ که بنا بر آن هیچیک از طرفین، حق ممنوعیت عبور آزاد کالاهای طرف دیگر را ندارد اعتراض نماید. این پیشنهاد با اشغال تبریز در همان سال از طرف روسیه همزمان بود. زیمرن، این پیشنهاد را رد کرد زیرا بنظر وی، حکومت آلمان، عمل روسیه را صریحاً یک «اقدام موقت» اعلام کرده بود.

(DAA, "Aktennotiz" by Körner A 9325, Mey 29, 1909, Persien No. 1, Bd. 37.)

252. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10108, April 14, 1910, and Nr. 10109, Kühlmann to Bethmann - Hollweg, April 15, 1910, Bd. 27/II, 775-778.

۲۵۳. شرکت موسیگ و شوئمان عملاً حقوق دریائی را بر روی دریاچه ارومیه بدست آورده بودند و یک کشتی تجاری در اواخر ۱۹۱۰ داشتند و در حال تهیه یکی دیگر نیز بودند.

(DAA, "Aufzeichnung" by Rosenberg, As 393, March, March 14, 1910. Turhei No. 152, Bd. 4.)

254. GP, Schön tho Kühlmann, Nr. 10112, May 5, 1910, Bd. 27/II, 781-782.

قبل از تقاضای مشترکشان در ایران، کوآدت اظهار کرد که بریتانیا و روسیه با دسیسه کابینه ایران را ثابت نگه داشته‌اند و صنایع الدوله و وثوق الدوله را که طرفدار آلمان بودند کنار گذاشته‌اند.

(GP, Quadt fo Bethmann - Hollweg, Nr. 10110. April 28, 1910, Bd. 27/II, 779-780).

255. GP, Schön to william II, Ntr. 10114, May 7, 1910, Bd. 27/II, 782-785.

256. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10115, May 9, 1910, Bd. 27/II,

سخنرانی در ۱۰ دسامبر بیان کردند: «... ما روابط دو جانبه خود را در ایران به سبکی دوستانه و آشکار بحث کردیم. ما توافق کرده‌ایم که منافع مشترکمان، نگهداری و اعاده نظم و آرامش در آن کشور را ایجاب می‌نماید. ما نمی‌خواهیم تجارتیمان با ایران به هم بخورد بلکه خواهان گسترش آن هستیم. روسیه نیز علاوه بر منافع ویژه‌اش در آن مناطق از ایران که مجاور مرزهایش است خواهان همین مسئله در تجارتش است. ما با کمال میل پذیرفتیم که روسیه برای چنین هدفهایی به نفوذ ویژه‌ای در شمال ایران احتیاج دارد و از اینرو، ادعایش را برای تمام امتیازات راه‌آهن، جاده و تلگراف در آن منطقه پذیرفته‌ایم... روسیه نیز نه تنها در سر راه تجارت ما موانعی ایجاد نخواهد کرد بلکه حتی برای ساختن یک خط آهن از طریق بغداد و خانقین و ادامه آن به ایران تسهیلاتی نیز فراهم خواهد کرد... مذاکراتی که در خلال اجلاس پوتسدام صورت گرفتند... سوء تفاهم را از بین بردند و روابط سابق بین ما و روسیه را تأیید و تحکیم کردند.

(DAA, Nordeutsche Allgemeine Zeitung, Nr. 290, December 10, 1910, in Deutschland No. 131, ("Das Verhältnis Deutschlands zu Russland"), Bd. 16.

288. DAA, Quadt to Bethmann-Hollweg, A20927, December 2, 1910, Persien No. 14, Bd. 1. (See also GP, Quadt to Berhmann - Hollweg, Nr. 10191, Bd. 27/II, 909-911.

289. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10189, December 2, 1910, and Kiderlen to Marschall, Nr. 101910, December 7, 1910, Bd. 27/II, 908-909.

290. GP, Pourtales to Berhmann - Hollweg, Nr. 10192, December 12, 1910, Bd. 27/II, 911-913.

291. GP, Correspondence between Zimmermann, Kiderlen, and Pourtales, Nrs. 10194, 10195, 10196, December 28, 1910 to January 2, 1911, Bd. 27/II, 917-921.

292. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10198, January 8, 1911, Bd. 27/II, 922-923.

293. GP, Pourtales to F.O., Nr. 10199, January 10, 1911, Bd. 27/II, 924-925, and note 924-925.

اگرچه سرزنش برای افشاگریهای ایونینگ تایمز به گردن یک مأمور بین‌المللی بنام مأمون افتاد ولی پورتالز اعتقاد داشت که ایزولسکی این دسیسه را طراحی کرده بود. وی در اشتباه بود. در واقع، انتشار این معاهده، توطئه‌ای بود که توسط سیاستمدار و روزنامه‌نگار فرانسوی، آندره تاردیو صورت گرفته بود. وی مأمون را استخدام کرده بود تا متن معاهده را از کوآی دورسای تهیه نماید. تاردیو قصد داشت حکومت فرانسه را بخاطر آن که از یک پروژه راه‌آهن در خاورمیانه توسط خودش حمایت نکرده بود نگران سازد. مأمون بخاطر شرکت در این امر به دو سال زندان محکوم گردید.

See G.W.F. Hallgarten, OP, Cit. II, 267-168.

294. See GP, Bd. 27/II (Correspondence between Marschall and the Wilhelmstrasse) Nrs. 10202, 10203, 10204, and 926-935.

(GP, "Aufzeichnung" by Kiderlen, No. 10136, August 23, 1910, Bd. 27/II, 810-811).

GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10137, August 23, 1910, Bd. 27/II, 811-813.

274. DAA, Aerenthal to Flotow, A 17852 (Austrian number 2380) October 21, 1910, Persien No. 1, Bd. 44.

طرح زیمرمن (در فوق نقل گردید) در یادداشت جی.پی.، ۲/۲۷، ۸۲۲ نیز آمده است ولی اظهار نظر می‌کند که توسط ویراستار دی‌گروس پولیتیک اضافه گردیده است این مسئله را آشکار می‌سازد که گویی این طرح، ارتباطی با اجلاس قسطنطنیه دارد. قضیه اینطور نیست؛ قصد زیمرمن از دو پاراگرافش، جوابی به ارتشال بود و همچنین آنچه وی در نظر گرفته بود در زمانی که آمد تا کمک دیپلماتیک آلمان را تقاضا نماید به وزیر ایرانی بگوید.

275. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10145, October, 28, 1910, Bd. 27/II, 822 and note.

276. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10145, ibid.

277. DAA, Birzheviya Vvedomosti, as quoted in St. Petersburg Zeitung, 11/24 November 1910, Persien No. 21, Bd. 5.

278. DAA, Pourtales to Berhmann - Hollweg, A 19728, November 26, 1910, Persien No. 21, Bd. 5.

279. See the journal of a special Conference of Persian affairs, October 15, 1910 in krasnyi Arkhiv, 53, 3 (1933), 46-57.

استولپین، نخست‌وزیر، در این کنفرانس بعنوان رئیس و سوکوملینف و گرنگروس بعنوان وزیر جنگ، وودوسکی و ابرهارد بعنوان فرمانده نیروی دریایی، رخلوف وزیر ارتباطات، تیماشف وزیر صنعت و تجارت، وبر، وزیر دارائی و سازانوف و کلم، وزیر امور خارجه حضور داشتند.

280., Ibid, 53-54.

281. Ibid., 54-55.

282. Ibid, 55-56.

283. GP, Bethmann - Hollweg to Pourtales, Nr. 10155, November 9, 1910, Bd. 27/II, 842.

284. GP, Bethmann - Hollweg to Pourtales, Nr. 10159, November 15, 1910, Bd. 27/II, 840-849.

285. GP, Aerenthal to Bethmann - Hollweg, Nr. 10168, December 6, 1910, Bd. 27/II, 862-866.

286. GP, "Aufzeichnung" by Kiderlen, Nr. 10189, November 1, 1910, Bd. 27/II, 905-907.

287. GP, Quadt to F.O., Nr. 10187, Kiderlen to Quadt, Nr. 10188, December 17, 1910, Bd. 27/II, 907.

بتمان- هول‌وگ، خط مشی رسمی آلمان را در ایران و اجلاس پوتسدام در طی یک

308. MNN, 389, August 22; Germania, 191, August 22; NLKZ, 393, 23, August, 1911.

309. Article by "P.S.", deutsch - russische uPbereinkommen, Alldutsche Blätter, August 1911, 290-292.

310. DAA, Quadt to Bethmann - Hollweg, A 10555, June 24, 1911, Persian No. 1, Bd. 45.

روسیه بعداً در مورد اخراج شوستر پافشاری کرد و بریتانیا با اکراه قضیه را دنبال نمود. آلمانها هیچ وقت از شوستر حمایت نکردند. این قضیه را می توان بطور دقیقتر در کتاب شوستر، «اخذتاق ایران» (۱۹۱۲) که شاید از کار شوستر در ایران مهتر بود، دنبال نمود. کوادت فکر می کرد که هیئت نمایندگی آمریکا در تهران، شوستر را کاملاً بد راهنمایی کرده بودند و این که شوستر سعی کرده بود تا شعبه اداره ایران را دقیقاً اصلاح نماید که به آن نیازی نبود.

(DAA, A 10555, ibid.).

311. DAA, A 20046, December 3, 1911, Persien No. 21, Bd. 9.

متن این تلگرام، همانطور که در شکل تلگرام آمده است، بدون هیچ نقطه گذاری و به زبان فرانسوی به قرار زیر است:

Sa Majeste empereur Allemagne pless schloss

Un metting de 30000 Citoyens Persans tenu a Tauris l'honneur de Porter a votre Connaissance les faits suivants le gouvernement russe par un ultimatum nous ablige a renavant tous les tonctionnaires dont nous surons besoin seront designes avec l'assentiment des gouvernements russe et anglais Cet ultimatum menacent notre independence nous avons l'honneur de proterter avec la derniere energie contre cette grande injustice et sollicitons l'assistance du monde cicilise contre cet acte illegitime.

meeting de Tauris

312. DAA, Pourtales to F.O., A 20302, December 6, 1911, Persien No. 21, Bd. 9. See the Norddeutsche Allgemeine Zeitung's "Wochenrundschau", December 10, 1911; also DAA, Pourtales to Bethmann - Hollweg, A 21457, December 28, 1911, ibid.

313. DAA, Vossische Zeitung, February 2, 1912, Persien No. 21, Bd. 10.

314. DAA, Draft telegrams from state secretary to Poutales, Metternich, and schmidthals, Tehran, A 3997, 4268, and schmidthals to Bethmann - Hollweg, A. 5651, March 14, 1912, Persien No. 21, Bd. 10.

315. DAA, Heinrich XXXXI Reuss to Bethmann - Hollweg, A 15811, September 5, 1912, Perwien No. 12, Bd. 2.

۳۱۶. در ۷ نوامبر، ۱۹۱۳، وزیر دارائی ایران (مدیر سابق اداره گمرکات) به روس اطلاع داد که قبلاً ۶۰۰۰ تنگ کارابین کهنه به ارزش ۱۰۸,۰۰۰ مارک از وزارت جنگ آلمان خریده بود و برای مهمات و قطعات یدکی با دوپچ وافن - مونیسن فابریک دیدار کرده

رأفت پاشا حتی حاضر بود در صورتیکه آلمان از وی پشتیبانی کند مذاکراتی جدی بر سر «تمامیت ارضی ایران» را با روسیه آغاز نماید. ویلهلم شتراسه هیچ علاقه ای به توافق روسیه - عثمانی بر سر ایران نداشت و از اینرو، موضوع متوقف ماند.

(See Nr. 10206 and 10207, 931-932.).

295. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10211, January 31, 1911, Bd. 27/II, 935-936 and 10212, February 24, 1911, 936-940.

296. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10213, February 24, 1911, Bd. 27/II, 941-942.

297. GP, Bethmann - Hollweg to Pourtales, Nr. 10214, April 29, 1911, Bd. 27/II, 942-947.

298. Gp, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10125, May 8, 1911, Bd. 27/II, 947-948.

299. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10126, May 15, 1911, and Bethmann - Hollweg to Pourtales, Nr. 10127, May 23, 1911, Bd. 27/II, 949-950.

300. GP, Kiderlen to Pourtales, No. 10129, July 29, 1911, and Pourtales to F.O., July 31, 1911, Bd. 27/II, 956-959.

301. GP, Anlage ("Projet de Convention") to despatch from Kiderlen to Pourtales, Nr. 10129, July 27, 1911, Bd. 27/II, 957-958.

302. GP, Pourtales to Bethmann - Hollweg, Nr. 10225, August 25, 1911, Bd. 27/II, 961-963. See J.C. Hurewitz, Diplomacy in the Near and Middle East, Princetion 1956, I, for the text of this treaty.

۳۰۳. در قسطنطنیه، روزنامه های اقدام و وطن، لحنی بی اعتماد را بکار بردند. طنین اعتقاد داشت که ممکن است شروطی پنهانی وجود داشته باشد. ژون ترک دریافت که روسیه آلمانها را بطور کامل فریب داده بود، در حالیکه صباح بیشتر امیدوار بود. بورس دوریت به آلمان حمله نمود.

(DAA, Miquel to Bethmann - Hollweg, A 13566, August 24, 1911, Turkei No. 152, Bd. 5).

حاکم پاشا خیلی عصبانی بود و به میگوئل، سفیر آلمان گفت که پورت خودش را از این پیمان «زخم خورده» احساس می کند. احتمالاً لازم است پیمان دیگری بین آلمان و ترکیه بسته شود تا جزئیات رفت و آمد قطارها بین ترکیه و ایران منظم گردد.

DAA, Miquel to F.O., Telegram No. 197, A 13678, August 29, 1911, Turkei No. 152, Bd. 5.).

304. For example, See the times, August 21, 1911.

305. The Times, August 22, 1911.

306. HN, 380, August 15; 382, August 16; 389, August 20; Fz, 227, August 17; 230, August 20; NPKZ, 389, 290, August 20 and 21, 1911.

307. KVZ, 715, August 21; Fz, 231, same day; KZ, 922, same day.

بود. از پرونده‌ها نمی‌توان روشن نمود که برای این خریدها اعتبار دریافت گردیده بود. احتمال دارد که این فروش صورت نگرفته باشد زیرا وزیر دارایی ایران و هوانس خان، سفیر ایران در برلین ترتیبی دادند تا سه میلیون گلوله کارابین به ارزش ۲۱۰,۰۰۰ مارک بطور نسیه در ژانویه و فوریه ۱۹۱۴ از وزارت جنگ آلمان خریداری نمایند.
(DAA, Reuss to Bethmann-Hollweg, A23040, November 7, 1913 Persien No. 3, Bd. 3, and Falkenhayn (Prussian war Minister) to Hovhaness Khan, kriegsministerium Nr. 184/1. 14 A2 and 215/14 gZ2 of January 19 and February 6, 1914, both in Persien No. 3, Bd. 5).

نتیجه

از آنچه که در سه فصل پیشین گفته شد، می‌توان سلسله نتایجی را در ارتباط با سیاست‌های آلمان در ایران بدست آورد و در این قسمت به آنچه که در فصول پیشین آمده است اشاره‌ی گذرا می‌شود:

میان سالهای ۱۸۶۰ تا ۱۹۱۷ موجودیت ملی ایران ازسوی دو قدرت روسیه و بریتانیا به مخاطره افتاد. هر یک از این دو قدرت کوشش می‌کرد تا به خاطر منافع خود فلات ایران را کنترل نموده و رقیب دیگر را کنارزند. بریتانیا کنترل ایران را توسط روسیه از لحاظ منافع خویش در هند خطرناک می‌دانست و ازسویی روسیه نیز کنترل این کشور را توسط بریتانیا مانعی در جهت بسط امپریالیسم روسیه در آسیای مرکزی و ادامه تسلط خود در ماورای خزر و قفقاز تلقی می‌کرد و روی این اصل هدف هر دو قدرت کنترل حکومت ایران بود و هر دو طرف متخاصم راه این کنترل را، کسب امتیازات مختلف، تفوق در امور تجاری، آموزش قوای مسلح و احداث جاده و راه‌آهن می‌انگاشتند و هر قدرتی که بیشترین این امتیازات را باست، می‌آورد بدیهی است که بهتر می‌توانست رقیب دیگر را از میدان بدر کرده و ایران را یا به صورت مستعمره درآورد و یا این کشور را کانونی جهت کسب منافع خود قرار دهد.

فشار فزاینده روس و انگلیس میان سال‌های ۱۸۷۰ و ۱۹۱۰ با پیدا شدن ناسیونالیسم در ایران همزمان بود و این دو پدیده ارتباط نزدیکی باهم داشتند، و به موازات فشارهای امپریالیسم، ناسیونالیسم نیز بارورتر گردیده روی در روی این دو قدرت قرار می‌گرفت و اندک زمانی نگذشت که بریتانیای کبیر و روسیه در راه احراز عنوان منفورترین قوم بیگانه در اندیشه ایرانیان به رقابت برخاستند.

نفوذ و فشار روسیه و انگلستان سبب شد که ناسیونالیست‌های ایران درصدد یافتن راهی جهت حل مشکلات خود برآیند و اینان بدان دیگر میلی که وضع مشابهی با آنان داشتند کوشش کردند که با تحریک هریک از دو قدرت علیه قدرت دیگر و نیز با اعطای امتیازات پی در پی به هردوی آنها، مفری بدست آورند و گذشته از آن اندیشه باز کردن پای سایر ملل در آن معرکه در ذهن آنان جولان می‌کرد و در چنین وضعی قدرت‌های نیرومند دیگری اینان را در اجرای این هدف یاری می‌کردند.

اقتدارت‌هایی که می‌توانستند این نقش را ایفا نمایند چندان زیاد نبودند، چه فرانسه در جای دیگری درگیری داشت و ایالات متحده که البته گاهگاهی تنها ایران را کمک معنوی می‌کرد، گرفتاری‌های ویژه خود را داشت. اثریش نیز در شبه جزیره بالکان سرگرم بود و در این میان تنها آلمان باقی مانده بود که می‌توانست به عنوان یک قدرت نقش نجات‌دهنده ایران را ایفا کند.

عوامل دیگری نیز آلمان را در نظر ایرانیان دارای اهمیتی والا می‌کرد: تصمیم آلمان دائر به کسب مستعمرات در آسیا نسبت به سایر دول کمتر به چشم می‌خورد و از آن گذشته در مقایسه با دیگران این کشور در علوم و فنون پیشرفت کمتری داشت و روی این اصل از زمان ناصرالدین شاه (اولین زمامداری که به اهمّیت نقش آلمان در ایران پی

برد)، دست‌اندرکاران سیاسی در ایران به کوششهای پی در پی دست یازیدند تا ضمن برخورداری از کمک آلمان، این کشور را در امور ایران درگیر سازند.

در اندیشه ایرانیان چنین روشی منطقی و ممکن بود و نوید موفقیت می‌داد، زیرا آلمان از مدت‌ها پیش از کشور همسایه غربی ایران یعنی عثمانی حمایت کرده و دست‌اندرکار احداث خط آهن و اعزام مستشار به این کشور بود. انگیزه‌های شاهان قاجار و سلاطین عثمانی در این زمان یکسان و همگی بر این باور بودند که می‌توانند منافع سیاسی خود را از طریق اتحاد با آلمان بدست آورند و پس از آنکه عثمانی با آلمان پیمان اتحاد منعقد کرد، ایران نیز امیدوار شد که عملی مشابه انجام داده و یا لاقلاً نوعی ارتباط نزدیک با آلمان برقرار کند و در این باب ایران نقش پرتضادی را برعهده گرفت، چه این کشور در پی آن شد که با تقویت یک امپریالیسم بالقوه خطرناک در درون مرزهای خود، روس و انگلیس را عقب راند.

آلمانی‌ها بر این باور بودند که اجرای یک سیاست فعالانه در خاورمیانه منافع کلی آنان و بخصوص منافع اقتصادی آنان را تأمین می‌کند، ضمن آنکه اتخاذ این سیاست از لحاظ روانی نیز منافی داشت، زیرا صاحبان صنایع که از منافع آتی خود در مستعمرات آگاهی داشتند از لحاظ روانی نیز شوق مردم آلمان را به تحصیل مستعمرات دامن می‌زدند.

اینان از سیاست‌های امپراطوری در عثمانی پس از سال ۱۸۹۸ ابراز رضایت می‌کردند زیرا هر جا که بیرق آلمان به اهتزاز درآمده بود امور آنجا تحت نظارت آلمان اداره می‌شد، نقشه آنان را که همانا نفوذ در مناطق عقب افتاده بود، تأمین می‌کرد. این سرمایه‌داران و صاحبان صنایع به پیشرفت عثمانی از دید منافع خود در بازارهای این کشور می‌نگریستند